

En



بخط ابوالحسن مظفری

نگارش آسان

دعاء
ابوحزرة ثمالی

دعاء ابو حمزه ثمالی

دعاء أبي حمزة الثمالي

Supplication of Abu Hamza al-Thumali

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of Allah, the most Beneficent, the most Merciful



إِلَهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ

خدايا مرا به عقاب خود ادب مفرما *

O Allah, do not discipline me by means of Your punishment

وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ

و به مجازات عملم به مکر و حيلهات به عقوبت ناگهانیت غافلگیر مکن *
and do not subject me to Your planned strategy.



مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ * 

ای خدا کجا خیری توانم یافت *
How can I attain welfare, O Lord,

وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ؟ * 

در صورتی که خیر جز پیش تو نیست؟ *
while it is not found elsewhere save with You?



وَمِنْ أَيْنَ لِي النِّجَاةُ

و از کجا راه نجاتی خواهم جست *

How can I find redemption

وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ؟

و حال آنکه جز به لطف تو نجات میسر نیست؟ *

while it cannot be attained save through You?



٦
لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنَى

ای خدا نه آنکس که نیکوکار است

Neither he who has done righteous deeds

عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

از یاری تو و لطف و رحمت مستغنی است *

can dispense with Your aid and mercy



٧
وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ

و نه آنکه بدکار است و بر حکم تو بی باکی کرده *
nor can he who did evildoings, dare to challenge you,

وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و به راه رضا و خوشنودیت نرفته از قدرتت بیرون است *
and did not arrive at Your pleasure find an exit out of Your power. 

۸

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای رب من ای رب من ای رب من *

O Lord, O Lord, O Lord... (Repeat this phrase as many times

آنقدر بگوید تا آنکه نفس قطع شود. *

as possible in one breath:) Then continue...



بِأَنَّكَ عَرَفْتَنِي

من تو را به تو شناختم *

Through You have I known You.

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ

و تو مرا بر وجود خود دلالت فرمودی *


You showed me the way to You



وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ

و به سوی خود خواندی *
and invited me to come towards You.

وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

و اگر تو نبودی من نمی دانستم تو چیستی *
Had it been not for You, I would have never known who You are. 

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي

* ستایش خدای را که من او را می خوانم و او اجابت می کند

All praise be to Allah alone Who gives answer to me whenever I pray Him

وَ اِنْ كُنْتُ بَطِيْئًا حِيْنَ يَدْعُوْنِي

* و هر چند وقتی که او مرا می خواند کندی و کاهلی می کنم

although I am slow whenever He invites me.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ وَ

و ستایش خدای را که چون از او چیزی درخواست کنم

All praise be to Allah alone Who gives me

فَيُعْطِينِي

به من عطا می کند *

whenever I ask Him



وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا

و هر چند هنگامی که

although I become close-fisted

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

او از من قرض می خواهد من بخل می ورزم *

when He asks me.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنَادِيهِ

و ستایش خدای را که برای هر حاجتی
All praise be to Allah alone Whom I call

كَلَّمَا شِئْتُ مِحَاجَتِي

هرگاه او را خواستم ندا خواهم کرد *
whenever I need something



وَأَخْلُوْ بِهٖ حَيْثُ شِئْتُمْ لِسِرِّي

و هر وقتی برای راز و نیاز با او خلوت توانم کرد *
and Whom I secretly converse whenever I want

بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

و بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا می سازد *
without need for an intercessor; He thus grants my need.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

سپاس خدای را که تنها او را به دعا می خوانم
All praise be to Allah alone other than

لَا أَدْعُو غَيْرَهُ *

نه غیر او را *
Whom I never pray,



وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

و اگر از غیر او حاجت می خواستم
and even if I pray anyone else,

لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

دعایم مستجاب نمی کرد *
he shall never be able to respond to my prayer.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَ

و سپاس خدای را که به او چشم امید دارم نه به غیر او *
 All praise be to Allah alone for other than Whom I do not hope,

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي

و اگر به غیرش امید می داشتتم مرا ناامید می گردانید *
 and even if I hope for anyone else, he shall certainly disappoint me.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش خدای را

All praise be to Allah alone Who has accepted me

وَكَلَّنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي

که کار مرا به حضرتش واگذاشت و گرامیم داشت *

to depend upon Him and, thus, bestowed favors upon me.



وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

و به غیرش وا نگذاشت

He has not left me to people

فِيهِنُونِي

تا خوارم گرداند *

who will thus definitely humiliate me.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ

ستایش خدای را که با من اظهار کمال دوستی فرمود
All praise be to Allah alone Who has sought my friendship

وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

با آنکه از من بی نیاز بود *
while He can dispense with me.



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْلُمُ عَنِّي

و سپاس خدای را که از خطا و گناهانم حلم و بردباری کرد
 All praise be to Allah alone Who showed Himself gentle

حَتَّىٰ كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي

چنانکه گویی گناهی از من سر نزده است *
 and considerate towards me as if I have not sinned.



فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي

پس خدای من پیشم محبوبترین موجود است

Accordingly, my Lord is the only One Whom I should thank

وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي

* و به حمد و ستایش من او را سزاوارتر از همه عالم است
and He is the worthiest of being thanked by me.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ

ای خدامن راه حوایج خلق را

O Allah, I find the courses to asking

إِلَيْكَ مُشْرَعَةٌ

به سوی تو باز می بینم *
from You wide open,



وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ

و چشمهای امید بندگان را
the springs to hoping

إِلَيْكَ (لَدَيْكَ) مُتْرَعَةً 

به درگاهت پر آب می یابم *
for You overflowing,



وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ

و یاری جستن به فضل و کرمّت

seeking the help of Your favors reachable for them

لِمَنْ أَمَّلَكَ مَبَاحَةً

بر هر کس به تو آرزومند است، مباح و آسان است *
who have hopefully looked forward to You,



وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

و درهای دعای فریاد خواهان
and the doors of praying You

لِلصَّارِخِينَ مَفْتُوحَةً

به سوی تو باز است *
vulnerable for them who cry to You.



وَاعْلَمُ أَنَّكَ

و محققاً می دانم

I know for sure that

لِلرَّاجِي (لِلرَّاجِيْنَ) بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ

که تو آماده‌ای برای حاجت امیدواران *

You give favorable reply to the petitioners



وَلِلْمَلْهُوفِ (لِلْمَلْهُوفِ)

و مراقب حال
and relentlessly succor

بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ

* پریشان خاطرانی
the aggrieved;



وَأَنْ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا

و می دانم که در نالیدن به درگاه جود و احسانت و در رضای

and to long for Your beneficence and to accept Your will and judgment

بِقَضَائِكَ عِوَضًا مِّنْ مَّنْعِ الْبَاخِلِينَ

به قضا و قدرت بهترین عوضی است از بخل مردم بخیل *

are well compensations for that which the close-fisted misers deny

وَمَنْدُوحَةٌ عَمَّا

و بی نیازی از اندوخته
and alternative to that

فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثَرِينَ

در دست دنیا طلبان است *
which is possessed by the stingy.



وَأَنْتَ الرَّاحِلُ

و هر که به سوی تو سفر کند
He who travels towards You

إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

راهش بسیار نزدیک *
will easily reach his destination.



وَأَنْتَ لَا تَخْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا

و تو از نظر بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و آرزوهای
You do not conceal Yourself against Your creatures

أَنْ تَخْتَجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ (الْأُمَالُ) دُونَكَ

که به غیر تو دارند حجاب آنها از شهود جمالت گردیده است *
unless their evildoings stand between them and You.



وَقَدْ قَصَدْتُ

و من

I am thus turning to You

إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي

* جویای توام

carrying my appeals



وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

و در حوایجم رو به تو آورده‌ام *
and directing towards You carrying my needs.

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي

و به درگاه تو استغاثه کرده و پناه می‌جویم *
I have sought the help of You alone



وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مِنْ

و در دعای متوسل به لطف توام
and begging You through my prayer

غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

بدون آنکه لایق آن باشم که دعای مرا مستجاب کنی *
although I do not deserve to be observed by You



وَلَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي

یا مستوجب عفو و بخششت گردانی
or to be pardoned by You.

بَلْ لَثِقْتِي بِكَرَمِكَ

بلکه توجهم به تو به صرف کرم و احسان توست
Rather, I have full confidence in Your generosity,



وَسُكُونِي إِلَىٰ صِدْقِ وَعَدِكَ

و اطمینان خاطر م به صدق وعده (لطف) تو *
I have relied upon the truthfulness of Your promise,

وَجِئْتُ إِلَىٰ الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ

و پناه م بر ایمان به یکتایی توست *
I have sought shelter with my faith in Your Oneness



وَيَقِينِي (وَأَثَقْتَنِي) بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي

و یقینم به معرفت حضرتت

and my certitude in the fact –which you know–

أَنَّ لِي رَبًّا غَيْرَكَ

که می دانم مرا پروردگاری غیر تو نیست *
that I have no Lord other than You



وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و جز تو خدایی نخواهد بود
and there is no god save You

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

تو یکتا و بی شریکی ای خدا
alone, without having any partner.



اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ

تو خود فرمودی و سخن تو حق *

O Allah, It is You Who have said, and Your sayings are always true

وَوَعْدُكَ صِدْقٌ (الصِّدْقُ)

و وعده تو حقیقت است *

and Your promise is always valid:



وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ﴿٤٢﴾

فرمودی: «هر چه می خواهید از خدا فضل و کرم بخواهید
 “Ask Allah of His bounty.”

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

که خدا به شما بندگان همیشه مهربان است *
 Verily Allah is ever Merciful to you.”



وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي

و ای مولای من این از صفات نیست که بندگان را

It is not Your habit, O my Chief,

أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

امر به سؤال کنی و چون سؤال کنند عطای خود را از آنها دریغ داری *

that You instruct us to implore You and then You stop giving us,



وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ

و حال آنکه تو را بر اهل مملکت
while You are the All-benefactor Who confers

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ


عطاهاى بی شمار است
upon the people of Your Kingdom with (innumerable) donations



وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ

و به واسطه رأفت و محبتت به خلق

and You are the All-generous Who meets them

بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ (بِحُسْنِ نِعْمَتِكَ) 

نعمتت بر آنها پی در پی خواهد بود *

with the kindness of Your compassion.



إِلَهِي رَبِّيْتِي فِي نِعَمِكَ

ای خدا تویی که در انواع نعم و احسان

O my God, You brought me up amid Your bounties

وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا

هنگامی که کودکی بودم، مرا پروراندیدی *
and favors when I was little



وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا

و در بزرگی هم سربلندی و نام نیکو دادی *
and You have mentioned me when I have grown up.

فِيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ

پس ای خدایی که مرا در دنیا به فضل و احسان *
So, O He Who brought me up in this world with His bounties,



وَتَفَضُّلِهِ (بِفَضْلِهِ) وَنِعْمِهِ * وَأَشَارَتِي

و نعم بی پایان پرورش دادی * و در آخرت
 favors, and graces, and, in the Hereafter,

فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ *

اشارت به عفو و کرمت فرمودی *
 will have referred to me with His amnesty and generosity!



مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ

معرفتم به تو ای مولای من

My acquaintance with You, O my Lord,

دَلِيلِي (دَلَّتْنِي) عَلَيَّ

دلیل و رهبر من به سوی توست *
is the path taking me to You



وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

و محبتم نزد حضرت واسطه و شفیع من است *
and my love for You is the intermediary between You and me.

وَ أَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

و من از دلیل خود چون تو راهنمای منی مطمئنم *
I am sure of the path to which You have lead me



وَسَاكِنٌ مِّنْ شَفِيعِي

و از شفیعم چون تو می پذیری
and I rely upon my intermediary's success

إِلَى شَفَاعَتِكَ

دلم آرام است *
before You.



أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي

ای سید من تو را می خوانم

I pray You, O my Chief,

بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ وَ ذَنْبُهُ ❁

به زبانی که از فرط گناه، لال گردیده *

with a tongue muted by its sins.



رَبِّ اَنَا حَيْكَ بِقَلْبِ

ای پروردگار با تو راز و نیاز می‌کنم

O Lord! I confidentially speak to You

قَدْ اَوْبَقَهُ و جَرْمَهُ و

با دلی که از کثرت جرم به وادی هلاکت در افتاده *
with a heart degraded by its offenses.



أَدْعُوكَ يَا رَبِّ

ای خدا تو را می خوانم

I pray You, O Lord,

رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا

* با دلی که هراسان و ترسان است از قهر تو و امیدوار به کرم توست
with terror, desire, hope, and fear.



إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرِعْتُ

* چون به گناهان خود ای مولای من می نگرم زار می نالم

Whenever I think of my sins, O my Master, I panic,

وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

* و چون به کرم بی پایان تو نظر می کنم امیدوار می گردم

but when I think of Your generosity, I feel desirous (for Your pardon).

فَإِنْ عَفَوْتَ (غَفَرْتَ) فَخَيْرٌ رَاحِمٍ

* پس اگر مرا ببخشی رواست که تو بهترین مهربانی

Therefore, if You forgive me, You are already the best of those who

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ

* و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای

show mercy, and If You punish me, You are then not wronging me.

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْئَلَتِكَ

حجت من بر جرأت درخواست حاجت از تو با آنکه کردارم

Yet, it is Your munificence and Your generosity, O Allah, that gave me the

مَعَ اتِّبَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ

همه ناپسند بوده، همانا بخاطر کرم و بخشش توست *

courage to pray You, despite that I have committed things that You dislike.

وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي

و پناه آوردنم در حال سختی به درگاه تو

It is Your kindness and mercy that I use as my means

مَعَ قِلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

* با بی حیایی و بی باکیم به موجب رأفت و مهربانی توست

during misfortunes inflicting me despite my shamelessness.



وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ

و البته امیدم آن است که با اینگونه قبايح و زشتی‌هایم باز از آرزوهایی
I thus hope that my expectation will not be disappointed amid

وَذَيْنِ مُنِيَّتِي

که به تو دارم محرومم نگردانی *
these two matters.



فَحَقِّقْ رَجَائِي

پس امیدم برآور *
So, make my hopes become real

وَاسْمَعْ دُعَائِي

و دعایم اجابت فرما *
and answer my prayers.



يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ ❁

ای بهترین کسی که اهل دعا به درگاهش رو آورند
 O Greatest Besought One that has been ever besought,

وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ ❁

و نیکوتر شخصی که امیدواران بر او عرض نیاز کنند
 and the Most Favorable Hoped One!



عَظْمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي

* آرزویم ای سید من، بزرگ

My expectation, O my Chief, has been great

وَسَاءَ عَمَلِي

* و کردارم زشت است

but my deed has been bad.



فَاعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي

پس تو به عفو و بخشش خود به قدر آرزویم عطا کن
So, grant me Your pardon as much as my expectation,

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي

و به اعمال زشتم مؤاخذه مفرما
and do not punish me for the worst of my deed.



فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ

زیرا کرم و بزرگواریت

Verily, Your generosity is too great

عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ

برتر از آن است که گناهکاران را مجازات کنی *
to be compared to the penalty of the guilty,



وَحِلْمًا يَكْبُرُ

و حلمت بیش از آنکه
and Your tolerance is too immense

عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

مقصرین را به کیفر رسانی *
to be compared to the punishment of the negligent.



وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

و من ای سید من، به فضل و کرمت پناه آورده *
I, O my Chief, am seeking refuge with Your benevolence,

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از قهر تو به سوی لطفت می‌گریزم *
fleeing from You towards You,



مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ

وعدۀ عفو و بخششت از کسی که

hoping for the amnesty that You have promised

عَمَّنْ أَحْسَنَ بِلَاءِ ظَنَّا

به تو حُسنِ ظن دارد، مسلم و قطعی است *

to confer upon one who keeps good idea about You.



وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي

و من ذره ناچیز ای خدا کیستم *

What am I? O Lord! What importance do I have?

هَبْنِي بِفَضْلِكَ

مرا به فضل و کرمت ببخش *

Do me a favor out of Your benevolence



وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و به عفو و رحمتت بر من منت گذار *
and be charitable to me by means of pardoning me.

أَيُّ رَبِّ جَلَّلَنِي بِسِتْرِكَ

ای پروردگار من، کردار زشتم در پرده دار *
O my Lord! Cover me with Your protective covering



وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي

و از گناهانم به بزرگواری ذاتت
and overlook reproaching me out of

بِكْرَمِ وَجْهِكَ



درگذر *

the generosity of Your Face.



فَلَوْ اَطَّلَعَ الْيَوْمَ

که اگر بر گناهم

In fact, if anyone other than You has watched me

عَلَىٰ ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتَهُ و

کسی غیر از تو آگاه می شد البته آن گنه نمی کردم *
while committing these sins, I may not commit them.



وَلَوْ خِيفْتُ

و اگر از تعجیل می ترسیدم

Had I anticipated

تَعَجُّيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتُهُ 

هم از خطا اجتناب می نمودم *

immediateness of punishment, I might have avoided doing them. 

لَا لِإِنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ (إِلَى)

نه از این رو که تو از دیگران *

Yet, this does not mean that You are the least important of those who

وَأَخَفُ الْمُطَّلِعِينَ (عَلَى)

در نظرم بی قدر و اهمیت تری *

watch over me or You are the least weighty of those who observe me.

بَلْ لَانَكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ

* بلکه بدین سبب که تو بهترین ستاران و پرده پوشان

Rather, this is because You, O my Lord, are the best of those

وَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (وَ أَحْلَمُ الْأَحْلَمِينَ)

* و نیکوترین حکمفرمایان

who cover up (one's defects), the wisest of those who judge,



وَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

* و بزرگوartترین بزرگواران عالمی
the most generous of those who act generously,

سِتَّارُ الْعُيُوبِ

* تویی که بر عیب‌های خلق پرده پوشی
the concealer of defects,



غَفَّارُ الذُّنُوبِ

* و بر گناهانشان بخشایی
the Forgiver of sins,

عَلَّامُ الْغُيُوبِ

* و بر اسرار غیب آگاهی
and the Knower of the unseen.



تَسْتُرُ الذُّنُوبَ بِكَرَمِكَ

گناه بندگانت را به کَرَمَت می پوشانی
 You conceal the defects out of Your liberality

وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

و کیفر آنها را از حلم و بردباری به تأخیر می افکنی
 and put off punishment because of Your forbearance.



فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ حِلْمِكَ

پس ستایش تو را می‌کنم بر مقام حلمت

Hence, all praise be to You, for You act tolerably

بَعْدَ عِلْمِكَ



بعد از علم ازلیت *

although You have full knowledge



وَ عَلٰی عَفْوِكَ

و بر صفت عفو تو

and for Your pardon even though

بَعْدَ قُدْرَتِكَ

* پس از قدرت کاملت

You have the absolute authority.



وَيَجْمَلُنِي وَيَجْرِيئُنِي

ای خدا حلم بی پایانت

It is Your forbearance with me that gives me latitude

عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي

* مرا بر معصیت تو وادار می کند و جرأت می دهد
and makes me dare to break Your laws.



وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ

و پرده پوشی و ستاریت به بی شرم و حیایی
 It is Your concealing my faults that makes me

سَتْرُكَ عَلَيَّ

می خواند *
 act shamelessly before You.



وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْتُبِ عَلَى

و معرفتم به رحمت بی انتهایت

It is my acquaintance with the broadness of Your mercy and the

مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

و عفو بی حسابت مرا جسور کرده

magnitude of Your pardon that make me hurry to violate



وَعَظِيمِ عَفْوِكَ

و به سرعت بر آنچه حرام کردی می‌گمارد
 * that which You have deemed forbidden.

يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ

ای خدای بردبار بزرگوار
 * O Indulgent! O Compassionate!



يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

ای زندهٔ ابدی *
O Ever-living! O Self-subsistent!

يَا غَافِرِ الذَّنْبِ

ای بخشندهٔ گناه *
O Forgiver of sins!



یا قَابِلَ التَّوْبِ

وای پذیرنده توبه *

O Acceptor of repentance!

یا عَظِيمِ الْمَنِّ

ای بزرگ نعمت و منت *

O Owner of matchless bounties!



یا قَدِیمَ الْإِحْسَانِ

* ای احسان کننده همیشه

O He who has been doing favors since eternity!

أَیْنَ سِتْرُكَ الْجَمِیلِ؟

* کجاست پرده پوشی عظیم تو؟

Where is Your magnificent concealment (of one's faults)?



آیْنِ عَفْوِكَ الْجَلِيلُ؟



كجاست عفو بزرگوارانه تو؟ *

Where is Your irreversible pardon?

آیْنِ فَرَجِكَ الْقَرِيبُ؟



كجاست گشایش نزدیک تو؟ *

Where is Your abrupt relief?



اَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟

كجاست فریادرسی سریع تو؟ *

Where is Your immediate aid?

اَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ؟

كجاست رحمت واسعه تو؟ *

Where is Your boundless mercy?



أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ؟



كجاست عطاهاى نيكوى تو؟ *

Where is Your overflowing gifts?

أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِئِئَةَ؟



كجاست موهبت هاى گواراى تو؟ *

Where are Your pleasant endowments?



۹۰
ایِنَّ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ؟

كجاست مرحمت‌های پر بهای تو؟
Where are Your beautiful benefits?

ایِنَّ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ؟

كجاست فضل و کرم بی حد تو؟
Where is Your outstanding grace?



اَيِّنْ مِنْكَ الْجُسِيمُ؟

كجاست نعمت بزرگ تو؟ *

Where are Your giant bounties?

اَيِّنْ اِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ؟

كجاست احسان همیشگی تو؟ *

Where are Your eternal favors?



اَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ؟

کجاست کرم تو ای خدای کریم؟ *

Where is Your generous liberality? O Generous Giver! In Your name

بِهِ (وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) فَاسْتَنْقِذْنِي

به حق آن کرم که مرا نجات ده *

and in the name of Muhammad and the Household of Muhammad, save me!

وَبِرَحْمَتِكَ ۛ فَخَلِّصْنِي ۞

* و به حق رحمتت که از ورطه هلاکت خلاص کن
In the name of Your mercy, deliver me!

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ ۞

* ای خدای با احسان، ای نیکوکار
O All-benevolent! O All-beneficent!



يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ * لَسْتُ أَتَكِلُ

ای نعمت بخش، ای با فضل و کرم *

O All-gracious! O All-compassionate! In my salvation

فِي النُّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا *

ما بر نجات از قهر و عقابت اعتماد بر اعمال خود نداریم *

from Your punishment, I do not rely upon my deeds;



بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا

بلکه تمام نظر ما به فضل و احسان توست *

rather, I depend on Your liberal generosity to us, because

لَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

زیرا که تو شایسته‌ای که خلق از تو بترسند و هم به مغفرت امیدوار باشند *

You are verily the Lord of righteousness and the Lord of forgiveness.

تُبْدِي بِالإِحْسَانِ نِعْمًا

هم اول با خلق احسان می کنی *

You take the initiative in doing good out of Your graciousness

وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

هم به کَرَمَت از گناهانشان می گذری *

and overlook the sins out of Your generosity.



فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ؟

پس من نمی دانم شکر کدام را به جای آورم؟ *

We thus do not know which of Your graces we should thank:

أَجْمِيلَ مَا تَنْشُرُ؟

آیا شکر نیکی هایی که از من معروف کردی؟ *

should it be the handsome elegance that you spread over us,



أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُونَ؟

یا زشتی‌هایی که پرده‌پوشی نمودی؟ * یا بلاها و امتحانات سختی
or our offensive deeds that you conceal?

أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ؟

که بر ما آسان ساختی و ما را بر آن فایق و مؤید داشتی؟ *
Or should it be the fabulous favor that You grant and present,





أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؟

یا بلاهای بسیار که از آن نجات داده و عافیت بخشیدی؟ *

or the numerous misfortunes from which You have saved and relieved?

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد *

O Beloved of those who endear themselves to Him!



وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مِّنْ لَّا ذَبِكَ

ای شادی قلب کسی که رو به درگاه تو آورد

O delight of the eyes of those who resort to Him

وَأَنْقَطِعَ إِلَيْكَ

و از همه بگسلد و با تو پیوندد *

and communicate Him incessantly!



أَنْتَ الْمُحْسِنُ

تو نیکوکاری

You are the All-benevolent

وَأَنْحُرُ الْمُسِيئُونَ

و ما زشت کرداریم *

and we are the malevolent.



فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ

پس تو ای پروردگار به نیکویی خود
So, overlook, O Lord, the offensive that

مَا عِنْدَنَا بِمِثْلِ مَا عِنْدَكَ

از قبايح ما درگذر *
we hold by means of the good that You hold.



وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسْعَهُ وَجُودُكَ؟

کدامین جهالت و بد کاری است که لطف و کرم تو آن را فرا نمی‌گیرد؟
 There is not definitely any foolishness that can be uncovered by Your

أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ أَنْاتِكَ؟

یا چه زمانی است که پیش از زمان حلم توست؟
 liberality. There is no period that may be longer than Your tolerance.

وَمَا قَدَرُوا عَمَلِنَا

و اعمال نیک ما در مقابل نعمت های تو
What value remains for our deeds

❁ **فِي جَنْبِ نِعْمَتِكَ؟**

چه ارزش دارد؟ *
if compared to Your favors?



وَ كَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا

و چگونه اعمال زشتمان را

How can we ever deem much any deeds

نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ (كَرَامَتِكَ)؟

با وجود لطف و کرم بی انتهایت بسیار بدانیم؟
* if compared to Your generosity?



بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

آری چگونه مجال بر گناهکاران

Moreover, how may Your broad mercy

مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ؟

با وجود رحمت واسعه بی پایانت تنگ خواهد شد؟ *
be narrow for the guilty?



يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

ای صاحب آمرزش بی حساب *

O Extensive Forgiver!

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

ای آنکه دست تو به رحمت مبسوط است *

O He Who extends both hands with mercy!



فَوْعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي

باری قسم به مقام عزت و بزرگیت ای سید من که اگر مرا
By Your Majesty I swear, O my Lord, even if you chide me,

(انْتَهَرْتَنِي) مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ ❁

از درگاهت برانی هرگز از این در به جایی نمی‌روم *
I shall never leave Your Door



وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى

و از تملق و التماس به حضرتت دست برنمی دارم
and I shall never stop flattering You! This is because I have

إِلَىٰ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

زیرا تو را به جود و کرم کامل شناخته ام *
full acquaintance with Your (indescribable) generosity and bounty. 

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ * تَعَذِّبُ

و تو هر چه بخواهی به قدرت کامله می کنی *

Verily, You do whatever You will. You punish whomsoever

مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ *

هر که را بخواهی به هر قدر و هر گونه عذاب کنی *

You want however You want by whatever means You want.



وَتَرْحَمُ مَن تَشَاءُ

و هر که را بخواهی هر قدر

You have mercy upon whomsoever You want

بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

و هر قسم ترحم فرمایی خواهی کرد *

however You want by whatever means You want.



لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

و کسی را نرسد که بر کار تو چون و چرا کند *

None is supposed to interrogate You for whatever You do,

وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ

و در ملک هستی با تو گفتگو آغازد *

non can ever contend with You about Your authority,



وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ

و در هر امر و فرمان با ذات یکتایت مشارکت کند *
none can ever have a share in that which You hold,

وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و در حکم مبرمت مخالفت برانگیزد *
none can ever object to Your decisions,



وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ

و احدی را نرسد که بر نظم و تدبیرت
and none can ever protest against that

فِي تَدْبِيرِكَ

* خرده‌گیری و اعتراض کند
which You administer.



لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

خلق و آفرینش خاص تو و حکم و فرمان بر خلق مخصوص توست
To You alone are creation and determination.

تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

بزرگوار خدایی که پروردگار عالم است *
Blessed be Allah, the Lord of the worlds.



يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ

ای خدا این است مقام آنکس

O my Lord, this is the manner of one

مَنْ لِأَذْبِكَ

که به درگاه تو روی آورده *
who seeks Your shelter,



وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ

و به لطف و کرمت پناه جسته *

resorts to Your liberality, and has been accustomed

وَ أَلْفَ إِحْسَانِكَ وَ نِعَمِكَ

و با نعم و احسانت الفت گرفته *

to be included with Your benevolence and graciousness.



وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

و تو آن ذات با جود و بخششی
You are certainly the All-munificent

لَا يَضِيقُ عَفْوَكَ

که جامهٔ عفو تنگ نیست *
Whose amnesty never shrinks,



وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ

و فضل تو نقصان پذیر نخواهد بود
Whose favor never reduces,

وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و رحمتت کم نیست
and Whose mercy never diminishes.



وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ

و ما هم تمام وثوق و اطمینان خاطرمان

We have full confidence in You on account of

بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ

به عفو همیشگی *

Your eternal habit of pardons,



وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ

و فضل و کرم بی حد
boundless kindness,

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و رحمت نامنهای توست
and limitless mercy.



اَفْتَرَاكَ (تُرَاكَ) يَا رَبِّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا؟

ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو بر خلاف حسن ظنی که به حضرتت داریم با ما رفتار
Is it ever expectable, O Lord, that You may disappoint us

أَوْ تُخَيِّبُ أَمَالَئَنَا؟

می کنی؟ * یا ما را از امید و آرزوهایی که به تو داریم محروم می سازی؟ *
or may act on the contrary of our expectations?



كَلَّا يَا كَرِيمُ

هرگز به تو ای خدای کریم

No, never. O Compassionate!

فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا (ظَنُّنَا) بِكَ

چنین گمان نمی بریم *

This is neither our idea about You



وَلَا هَذَا فِیْكَ طَمَعُنَا (طَمَعُنَا) ❁

و اینگونه از کَرمت انتظار نداریم *
nor our desire from You!

يَا رَبِّ اِنَّ لَنَا فِیْكَ اَمَلًا طَوِيْلًا كَثِيْرًا ❁

ای خدا ما را به حضرتت آمل و آرزوهای بسیار *
O my Lord, verily we have hope, big and large, in You.



إِنَّا لَنَافِيكَ

و امید بزرگ
Verily, we have

رَجَاءٍ عَظِيمًا

است *
great expectation in You.



عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو

تو را معصیت کردیم

Albeit that we have disobeyed You,

أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا



و امید پرده پوشی داریم *

we still hope that You will cover our faults.



وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو

تو را در دعا خواندیم

We have prayed You hoping

أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا

و امید اجابت داریم *

that You will respond to us.



فَحَقِّقْ رَجَائِنَا مَوْلَانَا

* پس ای مولای ما، ما را به امید و آرزویمان برسان
So, give success to our hopes, O our Lord!

فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا

* که ما می دانیم که به اعمال زشت خود چیزی جز محرومی از رحمت مستحق نیستیم
We now know for sure what we deserve in exchange of our deeds.

وَلٰكِنْ عَلِمْنَا فِیْنَا

لیکن اینکه تو به احوال ما دانایی و به فقر و بیچارگی ما آگاهی

Yet, Your knowledge about us

وَعَلِمْنَا بِاَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

و میدانیم که از درگاه فیضت محروم باز نمیگردیم *
and our knowledge that You shall never let us down



وَإِن كُنَّا

ما را راغب و امیدوار
even if we

غَيْرِ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

به درگاه کرمّت آورد و با آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم *
do not deserve Your mercy.



فَإِنَّتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا

تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران

However, You are the worthiest of conferring upon us

وَعَلَى الْمُدْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

به فضل و رحمت وسیعت جود و بخشش کنی *

and upon the guilty with the grace of Your broad benevolence.



فَاْمُنْ عَلَيْنَا

پس تو به آنچه لایق بزرگواری توست

So, confer upon us

بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ



به ما احسان فرما *

with that of which You are worthy



وَجِدْ عَلَيْنَا

و بر ما کرم کن

and act generously towards us,

فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ

که بسیار محتاج عطاى توایم *

for we are in need for Your conferral.



يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا

* ای خدای بخشنده ما را به نور معرفت هدایت فرمودی

O Oft-Forgiving, in Your light have we found the right path,

وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا

* و به فضل و رحمتت از غیر بی نیاز گردانیدی

due to Your favor have we dispensed with the others,



وَبِنِعْمَتِكَ (فِي نِعْمِكَ) أَصْبَحْنَا

و به نعمت شب و روز پرورش یافتیم *
and Your grace have we experienced in morns

وَأَمْسَيْنَا * ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ *
and eves. Our sins are before You;

گناهان ما پیش تو هویدا است *
and eves. Our sins are before You;



نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا

از تو ای خدا از آن گناهان طلب عفو و آمرزش میکنیم
we beseech You, O Allah, to forgive them

وَنَتُوبُ إِلَيْكَ

و به درگاهت به توبه باز می‌گردیم *
and we repent before You.



تَتَّحِبُّ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ

ای خدا تو در حق ما به نعمت‌های گوناگون محبت و مهربانی می‌کنی
 Whilst You show affection to us through Your graces,

وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ ❁

و ما در مقابل به نافرمانی و گناه می‌پردازیم *
 we take ourselves away from You through our sins.



خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ ﴿١٣٨﴾

* خیر و برکات تو پیوسته بر ما نازل میشود

You good descend upon us

وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ ﴿١٣٩﴾

* و شر و بد کاری ما به سوی تو بالا می رود

while our evildoing ascends to You.



وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ

و تو همیشه از ازل تا ابد

Albeit that a noble angel always

يَأْتِيكَ (عَنَّا) بِعَمَلٍ قَبِيحٍ

پادشاه با کرم و احسانی

carries to You our offensive deeds,



فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ

که اعمال زشت همیشگی ما
this has never made you

مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعَمِكَ

مانع از آن نیست *
stop encompassing us with Your graces



وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا

که ما را غرق نعمت‌های ظاهر و باطن
and conferring upon us

بِإِئْتَانِكِ

* به فضل و احسان خود گردانی
your elegances.



فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ

پس منزهی تو و چقدر حلم و بزرگی لطف

Glory be to You! How Forbearing, Magnificent,

وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئًا وَمُعِيدًا ❁

و کَرَمَت در آغاز و انجام آفرینش بی پایان است *

and Generous You are at all times!



تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُكَ

ای خدا نام‌های پاکت منزّه
Sacred be Your Names.

وَجَلَّ ثَنَّاؤُكَ

و ثنا و ستایشت بزرگ
Grand be Your praise.



وَكْرُمَ صَنَائِعِكَ وَفِعَالِكَ

و آثار و افعالت همه نیکو است *
Munificent be Your deeds and acts.

أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا

ای خدای من فضل وسیع بی پایان *
You, O my God, are too expansive in graciousness



وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِّنْ أَنْ تُقَايِسَنِي

و حلم عظیم بی انتہایت برتر از آن است کہ مرا با فعل من
and too great in forbearance to punish me

بِفِعْلِي وَ خَطِيئَتِي ❁

و گناه من مقایسه نمایی *
for my evildoings and sins.



فَاعْفُوا الْعَفْوُ الْعَفْوُ

از من درگذر، از من درگذر، از من درگذر
 (Here I am asking for) **Amnesty! Amnesty! Amnesty!**

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

ای سید من، ای سید من، ای سید من *
O my Lord! O my Lord! O my Lord!



اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ

خداوندا ما را به یاد خود مشغول ساز *

O Allah, cause us to be engaged with mentioning You,

وَأَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ

و از قهر و غضبت امان بخش *

save us from Your wrath,



وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ

و از عذابت در جوار رحمت پناه ده
deliver us from Your torture,

وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ

و از عطا‌های بی حسابت روزی ما گردان
grant us Your donations,



وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

و به فضل و کرم با ما نیکی و احسان فرما *
confer upon us with Your grace,

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ

و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان *
and provide us the opportunity to go on pilgrimage to Your House

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ



و زیارت قبر پیغمبرت *

and to visit the tomb of Your Prophet,

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ

که درود و رحمت و مغفرت

may Your blessings, mercy, forgiveness,



وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ

و خوشنودیت بر او
and pleasure be upon him

وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ

و بر اهل بیتش باد، زیارت قبرش را روزی ما گردان *
and his Household.



إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

کہ تو البتہ بہ خلق نزدیکى *
Verily, You are nigh and ready to answer.

وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ

و از لطف، دعایشان اجابت می کنی *
Bless us with acting upon the obedience to You,



وَتَوْفَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ

ای خدا طاعتت را عوض هر کار نصیب ما گردان و ما را بر آیین خود
and receive us following the rule of You and Your Prophet,

صَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ❁

و بر سنت پیغمبرت که درود بر او و بر آلش باد بمیران *
blessings of Allah be on him and on his Household.



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا
O Allah, forgive me and my parents,

وَارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

و بر آنها رحمت فرست که آنان در خردسالی مربی من بودند *
and have mercy on them as they cared for me when I was little.



✽ اِجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا

و پاداش احسان‌های آنها که به من کرده‌اند در حقشان احسان فرما
Reward them generously for their good deeds

✽ وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا

و گناهانشان ببخش
and forgive their sins.



اللَّهُمَّ اغْفِرِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خدایا بر تمام مرد و زن اهل ایمان *

O Allah, forgive the faithful men and women,

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

از زندگان و مردگان مغفرت را شامل گردان *

be they alive or dead,



وَتَابِعْ بَيْنَنَا

و میان ما و آنها
and join us together

و بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ (فِي الْخَيْرَاتِ) 

به خیر و احسانت پیوند ده *
in bliss and happiness.



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا

* بارالها زنده و مردهٔ ما مسلمانان

O Allah, forgive our living and dead persons,

وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا

* و حاضر و غایب

our present and absent ones,



ذَكَرْنَا وَانْثَانَا (اناثنا) ❁

* و مرد و زن

our male and female ones,

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا ❁

* و صغیر و کبیر

our infants and adults,



حُرِّينَا وَمَمْلُوكِنَا

و آزاد و بندهٔ ما همه را ببخش و بیامرزش
and our free ones and slaves.

كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ

آری آنان که از خدا برگشتند
Liars are those who ascribe rivals to Allah;



وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا



به دورترین وادی ضلالت و گمراهی در افتادند
they have wandered far astray

وَحَسِرُوا حُسْرَانًا مُبِينًا



و آشکار به زیان سخت گرفتار شدند
and they will have suffered a manifest loss.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد «ص»

O Allah, send blessings to Muhammad

وَأٰلِ مُحَمَّدٍ

و آل محمد «ع» *

and the Household of Muhammad,



وَ اَخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ * وَ اَكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي

* و کارم را ختم به خیر گردان

seal my life with decency, help me overcome all that

مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي *

* و مهمات امور دنیا و آخرتم را کفایت فرما

which aggrieves me in this world as well as the Hereafter,



وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و آنکه به حالم رحم نکند بر من مسلط مگردان
do not let him who does not have mercy upon me prevail on me,

وَاَجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاِقِيَةً بَاقِيَةً

و بر من از جانب خود نگهبانی همیشه مقرر بدار
always keep on me an everlasting, protective covering,



وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ

و نعمت‌های شایسته‌ای

do not divest me of the well-mannered graces

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

که به من عطا کردی، از من باز مگیر *
that You have conferred upon me,



وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ

و از فضل و کرمّت به من
and provide me, out of Your grace,

رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

روزی وسیع حلال پاکیزه روزی فرما *
with lawfully gotten, delightful sustenance.



اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِجَرَّاسَتِكَ

ای خدا مرا در پناه مراقبت نگهداری کن
 O Allah, keep me under Your alert surveillance,

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ

و در سایه محافظت
 protect me with Your support,



وَ اَكْلَانِي بِكِلَاءَتِكَ

و ظل حمایتت از هر بلا محفوظ دار *

take care of me with Your comprehensive care,

وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

و حج بیت الحرامت را *

grant me opportunity to go on pilgrimage to Your Holy House



فِي عَامِنَا هَذَا

در این سال
in this year

وَفِي كُلِّ عَامٍ

و همه سال دیگر نصیبم گردان *
as well as all coming years,



وَزِيَارَةُ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و زیارت قبر پیغمبر «ص»

grant me to go on pilgrimage to the tombs of Your Prophet

وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و ائمه هدی علیهم السلام را روزی کن *
and the Imams, peace be upon them,



وَلَا تُخَلِّني يَا رَبِّ

و از

and do not deprive me, O Lord,

مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ ❁

آن مشاهد مشرفه ❁

of such honorable scenes



وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

* و مواقف با کرامت دور مگردان
and noble situations.

اللَّهُمَّ تُبُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ

* ای خدا حال توبه‌ای به من عطا کن که دیگر هرگز معصیت نکنم
O Allah, accept my repentance so that I will not disobey you ever again,

وَالْهِمْنِي الْخَيْرَ

و تا هستم کار خیر را
 inspire me with goodness,

وَالْعَمَلُ بِهِ

* به قلبم الهام کن
 good-doing,



وَ خَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و در عملش موفقم ساز و شب و روز مرا
and fear of You all over day and night as long as

مَا أَبْقَيْتَنِي * يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *

خداترس گردان * ای پروردگار عالم *
You keep me alive. O Lord of the worlds!



اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ

ای خدا من چندان که به عزم و جزم با خود گفتم

O Allah, each time I decide

قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ (تَعَبَّيْتُ) 

و خویش را مهیا و آماده طاعت ساختم *

to prepare and ready myself



وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ

و در پیشگاه تو
for offering prayers

بَيْنَ يَدَيْكَ

به نماز ایستادم *
before You



وَنَاجَيْتُكَ الْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا

آن هنگام مرا به خواب

and conversing confidentially with You, You throw on me

إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ ❁

* انداختی

slumber whenever I stand for prayer;



وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ

و حال راز و نیاز از من

thus, You deprive me of conversing with You

إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

گاه مناجات باز گرفتی *

confidentially whenever I try so.



مَا لِي كَلَّمَا

ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده

What is the wrong with me?

قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سِرِّي

و گفتم که از این پس سریرتم نیکو خواهد شد *

Whenever I feel that my inner self has become decent



وَقَرَّبَ

و به مجامع اهل توبه
and that my session has become

مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي

و مقام توابین نزدیک می شوم *
similar to the sessions of those who turn much to You,



عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي

بلیه و حادثه‌ای پیش آمد که به عهد ثابت قدم نماندم
 a misfortune would inflict me, causing my feet to be shaken,

وَ حَالَتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ خِدْمَتِكَ

و آن بلیه میان من و خدمتت حایل گردید
 and standing against my showing servitude to You.





سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنِّ بَابِكَ طَرَدْتَنِي

* ای سید من شاید تو از درگاه لطفت مرا رانده‌ای

O my Master, perhaps You have pushed me away from Your door

وَعَنِّ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي

* و از خدمت بندگیت دورم ساخته‌ای

and You have dismissed me from Your service!



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ

یا شاید دیدی من حق بندگیت را خفیف شمردم بدین جهت
Or, perhaps, You have noticed that I belittled the duties that You

فَاقْصَيْتَنِي

از درت مرا دور کردی *

have made incumbent upon me, and You thus set me aside!



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ

یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم بدین سبب

Or, perhaps, You have seen me turning away from You

فَقَلَّيْتَنِي

بر من غضب فرمودی *

and thus You have turned away from me!



أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي

یا آنکه در مقام دروغگویانم یافتی
Or, perhaps, You have found me

مَقَامِ الْكَاذِبِينَ (الْكَذَّابِينَ) فَرَفَضْتَنِي ❁

لذا از نظر عنایتت دور افکندی *
in the manner of the liars and thus You have rejected me!



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرِ شَاكِرٍ

یا شاید دیدی که من شکرگزاری

Or, perhaps, You have observed me showing no gratitude

لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي

از نعمت‌هایت نمی‌کنم، مرا محروم ساختی *

for Your graces and thus You have deprived me of them!



أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي

یا شاید مرا در مجالس

Or, perhaps, You have not found me

مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

اهل علم نیافتی، به خواری و خذلانم انداختی *

in the meetings of the scholars and thus You have let me down!



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ

یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی

Or, perhaps, You have seen me among the inattentive ones

فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَيْسَتَنِي

بدین جرم از رحمتت نومیدم کردی *

and thus You have made me despair of Your mercy!



أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي ءَأَلِفَ مَجَالِسِ

یا شاید دیدی در مجالس اهل باطل

Or, perhaps, You have found me fond of the sessions

الْبُطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي

افت گرفته‌ام، مرا میان آنها وا گذاشتی *

of the wrongdoers and thus You have referred me to them!



أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تَجِبْ

یا شاید دوست نداشتی

Or, perhaps, You have not willed to hear

❁ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي

دعایم را بشنوی از درگاہت دورم کردی *

my prayers and thus You have kept me away from You!



أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید

Or, perhaps,

بِجُرْمِي وَ جَرِيرَتِي كَافِيَتَنِي ❁

به جرم و گناهم مکافات کردی *

You have punished me for my offenses and sins!



أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید

Or, perhaps,

بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي

به بی شرم و حیایی با حضرتت مجازاتم نمودی *
 You have penalized me for my shamelessness!



فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَ مَا عَفَوْتَ

به هر حال اگر ای خدای من عفو کنی شایسته است که پیش از من
If You forgive me, O Lord, then You have occasionally

عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي ❁

چه بسیار از گنهکاران را عفو کرده‌ای *
forgiven the sinners like me,



لِإِنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ

چرا که لطف و کرمّت ای خدا برتر و بالاتر از آن است
because Your compassion, O my Lord, is too great

عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

که بندگان مقصر را به کیفر رسانی *
to be compared to the punishment of the negligent.



وَ أَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ

و من به فضل و رحمت پناه آورده

I am now seeking refuge

هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ

و از تو به سوی تو می‌گریزم

with Your generosity and fleeing for You to You,



مُتَنَجِّزٌ (مُتَنَجِّزٌ) مَا وَعَدْتَ

که عفو و بخششت از کسی

hoping for the promise that You have taken

مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

که به تو حسن ظن دارد وعده قطعی است *

as regards pardoning those who have good idea about You.



إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا * وَأَعْظَمُ

ای خدای من فضل و رحمتت وسیع تر * و حلم و بردباریت
O my God, You are too expansive in favor

حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي *
* بِزَرَكْتَرِ اَزَّانِ اِسْتِ كِهْ بَا مِنْ بِهْ عَمَلْمِ مَقَايِسَهْ كِنِي

and too great in forbearance to punish me for my deed




 أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي

یا مرا به گناهم خوار گردانی *
 or to chastise me for my sin.


 وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي

و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت دارم *
 What am I? O Master! What is my weight?



هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي



مرا به فضل و کرمّت ببخش ای سید من *

Excuse me out of Your favor, O my Master,

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ



و به عفوّت بر من منت گذار *

act to me charitably out of Your pardon,



وَجَلِّبْنِي بِسِتْرِكَ

و به لطفت بر زشتیم پرده پوشی کن
cover me with Your covering,

وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

و از توبیخ و تهدیدم به ذات بزرگواریت درگذر
and let off chiding me out of the liberality of Your Face.



سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَ

ای سید من من آن طفل صغیرم که توام پرورانیدی *
O my Master! I am the little that You have brought up,

وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَ

و آن نادانم که توام دانش بخشیدی *
I am the ignorant that You have taught,



وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ 

و آن گمراهم که توام هدایت کردی
I am the straying that You have guided,

وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ 

و آن خوار و ذلیل که توام عزت و رفعت دادی
I am the humble that You have given rise,



وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي ءَامَنْتَهُ و

و آن ترسانم که توام ایمن ساختی
I am the afraid that You have given security,

وَأَجْمَاعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ و

و آن گرسنه‌ام که توام سیر کردی
I am the hungry that You have satiated,



وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ 

و آن تشنه‌ام که توام سیراب کردی *
I am the thirsty that You have watered,

وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ 

و برهنه‌ام که پوشانیدی *
I am the naked that You have dressed,



وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ ﴿٢٠٥﴾

و فقیری که بی نیازش کردی *

I am the poor that You have given affluence,

وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ ﴿٢٠٦﴾

و ناتوانی که توانایش دادی *

I am the weak that You have strengthened,



وَالذُّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ 

و ذلیلی که عزیزش گردانیدی *

I am the lowly that You have given might,

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ 

و مریضی که شفا بخشیدی *

I am the ill that You have cured,



وَالسَّائِلِ الَّذِي أُعْطِيَتْهُ 

و سائلی که به او عطا کردی *

I am the beggar that You have donated,

وَالْمُذْنِبِ الَّذِي سَتَرْتَهُ 

و گنهکاری که بر گناهش پرده پوشیدی *

I am the sinner that You have covered,



وَأَمْحَاطِيُّ الَّذِي أَقْلَتَهُ وَ

و خطا کاری که عذرش پذیرفتی *


I am the guilty that You have excused,

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ


و اندکی که بسیارش نمودی *

I am the valueless that You have evaluated,



وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ 

و مغلوب و ناتوانی که یاریش کردی *
I am the helpless that You have backed,

وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوْيْتَهُ 

و گریخته و آواره‌ای که جایگاهش دادی *
and I am the expelled that You have boarded.



أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي

من ای خدا همان کسم که
I am, O my Lord, the one

لَمْ أَسْتَحْيِلَا فِي الْخَلَاءِ ❁

نه در خلوت از تو شرم و حیا کردم *
who has not felt ashamed of You in secrets



وَلَمْ أَرَ أَقْبَلَ فِي الْمَلَأِ ❁

و نه در جمعیت مراقب وظایف بندگیت بودم *

and the one who has not considered Your watching over him in the public.

أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى ❁

منم که مصایب و حوادث بزرگ بر من روی آور است *

I am the committer of the grave transgressions,



أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى

منم آن بنده‌ای که بر مولای خود جرأت و جسارت نموده *

I am the one who challenged his Master,

أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ

منم آنکه خدای جبار آسمان را نافرمانی کرده *

I am the one who disobeyed the All-great of the heavens,



أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى

من آن کسم که

I am the one who has given

مَعَاصِيَ الْجَلِيلِ (الْمَعَاصِيَ جَلِيلٍ) الرِّشَا

بر معصیت‌های بزرگ رشوه داده *

bribes violating the laws of the All-lofty Lord,



أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

من آن کسم که هنگامی که مژده پیش آمد گناهی به او دادند

I am the one who has been delighted

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

به سوی آن گناه شتابان می رفت *

for committing such sins,



أَنَا الَّذِي أَمَّهَلْتَنِي فَمَا أَرْعَوَيْتُ

* منم آنکه مهلتم در عصیان برای توبه دادی و من از گنه باز نگشتم
I am the one who, although You have respited, has not cared,

وَسَتَّرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ

* و بر من پرده پوشی کردی باز هم شرم و حیا نکردم
I am the one whom, although You have covered him, has not felt ashamed,

وَعَمِلْتُ (عَلِمْتُ) بِالْمَعَاصِي

و به معصیت پرداخته

who committed so many acts of disobedience

فَتَعَدَيْتُ

و از حد تجاوز کردم *

that he has violated (all terms),



وَاسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ (عِنْدِكَ)

و مرا از نظر انداختی

and who, although You have disregarded,

فَمَا بِالْأَيْتِ * فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي *
 

باز هم باک نداشتم * و باز به حلم و بردباریت مهلتم دادی *

has not minded. So, out of Your forbearance have You given me respite.

وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي

و از کرم، زشتیم در پرده داشتی *

You have concealed (my faults) with Your untouchable concealment

حَتَّىٰ كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي

تا آنجا که گویی گناهانم را فراموش کرده‌ای *

as if You have been unaware of my acts.





وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمُعَاصِي جَنْبَتِي

و از کیفر گناهان معافم داشته‌ای *

You have not applied to me the punishments of committing acts

حَتَّىٰ كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

که گویا از من شرم کرده‌ای *

of disobedience (to You) as if You are ashamed to face me.



إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ

ای خدا من هنگامی که به معصیتت پرداختم *

O my God, as I disobeyed You,

وَأَنَا بِرَبُّوبِيَّتِكَ جَاهِدُ

عصیان از راه انکار خداوندیت نکردم *

I have never denied Your Lordship,



وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

* و فرمانت را خفیف نشمردم

have never belittled Your ordains,

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ

* و سینه در مقابل عقابت سپر نکردم

have never wished for exposing myself to Your chastisement,



وَلَا لَوْعِيدِكَ

و وعده مجازات را خوار
and have never disparaged

مُتَهَاوِنٌ

و بی اهمیت ندانستم *
Your threat.



لَكِنَّ خَطِيئَةً عَرَضَتْ

بلکه عصیانم خطایی بود عارض شد *

Nevertheless, sins showed themselves desirable

وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي

و نفس زشت بر من شبهه‌کاری کرد *

before me, my self commended to me,



و غَلَبَنِي هَوَايَ ❁

و هوی و هوس غلبه کرد
my whim overwhelmed me,

وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي ❁

و بدبختی کمک نمود
my impudence helped me accordingly,



وَاغْرَبْنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ

* و ستاری و پرده پوشیت مغرورم ساخت

and I have been deceived by Your covering that You have laid on me.

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجُهْدِي

* تا آنکه به کوشش و اختیار، به عصیان و مخالفت پرداختم

So, I have exerted efforts in violating Your orders and disobeying You.

فَالْآنَ مِنْ عَذَابِكَ

اکنون از عذاب تو

Now, who can ever save me

مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي

که مرا نجات خواهد داد؟ *
from Your chastisement?



وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا

و فردا از دست دشمنان

Tomorrow, who can save me

مَنْ يَخْلِصُنِي

که خلاصم تواند کرد؟ *

from the hands of my rivals?



وَجَبَلٍ مِّنْ أَسْوَدٍ
اتَّصِلُ

و اگر تو رشتهٔ محبت را از من بریدی

Whose rope will I catch

إِن أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي

دیگر به رشتهٔ که چنگ زدم؟ *

if You cut off the rope between You and me?



فَوَا سَوَاتِنَا (أَسْفَا)

پس وای به رسوائیم در آن هنگام

Shame on me

عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ ❁

که کتاب تو تمام اعمالم را به شمار آورده *

for my evildoings that Your Book has recorded.



مِنْ عَمَلِي الَّذِي

که اگر

Had it not been

لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ

امیدم گرم *

for Your generosity, the breadth



وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

و رحمت بی انتهایت نبود
of Your mercy,

وَنْهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقَنُوطِ

و نهی تو از نومیدی گنهکاران
and Your warning me against being desperate—the matters



لَقَنْطُ عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا



وقتی که متذکر اعمال زشت خود می شدم به کلی ناامید می گردیدم
 * that I hopefully depend on, I would have despaired whenever I remember

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ



ای بهترین کسی که او را به دعا بخوانند
 * my sins. O Greatest Besought Who has been ever besought!



وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و نیکوترین کسی که به کرمش امیدوار باشند *

O Most Favorable Hoped!

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ

ای خدا به عهد و پیمان اسلام به سوی تو توسل جسته *

O Allah! I beseech You in the name of the liability of Islam,



وَبِحُرْمَةِ الْقُرْءَانِ

و به حرمت قرآن

I rely upon You in the name

أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ

و ایمان به آن درگاهت اعتماد می طلبم *
of the sanctity of the Qur'an,



وَبِحَبِي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ

و به دوستيم نسبت به پيغمبر امي قرشي هاشمي

in the name of my love for the Prophet; the Ummi (inhabitant of Mecca),

الْعَرَبِيُّ التُّهَامِيُّ الْمَكِّيُّ الْمَدَنِيُّ

عربي تهامي مكي مدني نزد تو تقرب مي جويم *

the Qurayshite, the Hashemite, the Arab, the Tuhamite, the Meccan, ۹

أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

پس تو لطفی کن و انس مرا *
and the Madanite, I hope for proximity to You.

فَلَا تُوحِشِ اسْتِنَاسَ إِيمَانِي

به واسطه ایمانم به تو بدل به وحشت مگردان *
So, do not disturb my familiarity with faith



وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي

و پاداشم را

and do not make my reward the same

ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ ❁

پاداش آنکه غیر تو را پرستیده قرار مده *

as reward given to those who serve one other than You.



فَإِنَّ قَوْمًا ءَامَنُوا بِالسَّنَتِهِمْ

زیرا قومی به زبان ایمان آوردند

Certainly, some people outwardly declared the faith so that

لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ ❁

* تا از شمشیر اسلام خونشان محفوظ ماند

they could prevent their blood from being shed.



فَادْرِكُوا مَا أَمَلُوا * وَإِنَّا ءَامِنٌ بِكَ

و به این آرزو رسیدند * و ما هم با دل و زبان

However, they attained their goals. We have believed

بِالسِّنِّتِنَا وَ قُلُوبِنَا لِتَعْفُو عَنَّا *

به تو ایمان آوردیم تا از گناهانمان درگذری *

in You by heart and tongue so that You may excuse us.



فَادِرِكُنَا (فَادِرِكُ بِنَا) مَا أَمَلْنَا

ما را هم به آرزویمان برسان *

Hence, make us attain our goals,

وَتَثِبَتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا

و امیدواری به کرم خود را بر ما ثابت و محقق گردان *

make firm our hope for You in our hearts,



وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا

و دل‌های ما را پس از آنکه هدایت یافتیم
make not our hearts to deviate

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

به تاریکی و گمراهی می‌فکن
after You have guided us aright,



وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و از جانب خود بر ما رحمت فرست
and grant us from You mercy.

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ❁

که همانا تویی بخشنده بی عوض *
Surely, You are the most liberal Giver.



فَوْعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي

باری به مقام عزتت قسم که اگر مرا از در لطف برانی

By Your Majesty I swear, O my Lord, even if You chide me,

مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

* هرگز از درگاہت به جایی نخواهم رفت

I shall never leave Your Door



وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمُّ

و از تملق و التماس به حضرتت دست نخواهم کشید چرا که
and I shall never stop flattering You. This is because I have

قَلْبِي (يَا سَيِّدِي) مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ

قلبم شناسا و گواه کرم
full acquaintance with Your (indescribable) generosity



وَسِعَةَ رَحْمَتِكَ

و رحمت بی پایان توست *
and bounty.

إِلَى مَنْ يَذُوبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ

آری بنده جز به درگاه مولایش کجا رود
To whom may a servant go save to his Lord?



وَإِلَىٰ مَنْ يَلْتَجِيُ الْمَخْلُوقُ

و مخلوق به که پناهنده شود
To whom may a mortal resort

إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ

جز به خالقش *
save to his Creator?



إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ

ای خدا اگر گردنم را به زنجیرهای قهرت می بندی *
O my God, even if You tie me with chains,

وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ

و عطایت را از میان همه خلق از من منع کنی *
deprive me of the stream of Your bounties in the presence of people,

وَدَلَّلْتُ عَلَىٰ فَضَائِحِي

و فضیحت و رسوایی‌هایم به چشم بندگان
divulge all my scandalous acts before the eyes

عُيُونِ الْعِبَادِ * وَ أَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ *

عیان سازی * و فرمان دهی که مرا به آتش دوزخ کشند *
of all Your servants, order me to Hell,



وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ

و میان من و نیکان جدایی افکنی
and prevent me from communicating the Pious ones,

مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ

باز هرگز رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد *
(in spite of all that) I will never stop hoping for You,





وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ

و از امیدی که به عفو و بخششت دارم منصرف نمی شوم *
I will never stop expecting Your pardon,



وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي

و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت *
and Your love will never exit my heart.



أَنَا لَا أَنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي ❁

من ای خدا عطا و بخشش ها *

I never forget Your graces that I enjoy

وَسَتَّرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا ❁

و پرده پوشی هایت را بر من در دار دنیا هرگز فراموش نخواهم کرد *

and Your having concealed my defects in the worldly abode.



سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا

ای سید من، حب دنیا را

O my Master, (please) expel love for the world

مِنْ قَلْبِي

از دلم بیرون بر *
out of my heart,



وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى

و میان من و حضرت مصطفی «ص» *

join me with the Divinely-chosen Prophet and his Household,

وَأَئِلهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

منتخب از تمام خلق *

the choicest of Your creatures and the seal of the Prophets:



وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ

و خاتم پیغمبرانت محمد «ص»
Muhammad, blessings of Allah

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

که درود خدا بر او و آلش باد جمع گردان *
be on him and on his Household.



وَأَنْقِلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

* و مرا به درجه و مقام اهل توبه و بازگشت به درگاهت برسان
Move me to the rank of repentance with You,

وَأَعِنِّي بِالبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي

* و مرا بر گریه به حال خود یاری کن
help me weep for myself



فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ

که سخت عمرم را به تسویف
after I have come upon

وَالْأُمَالِ عُمُرِي

و آرزوهای باطل از دست دادم *
the last of my age,



وَقَدْ نَزَلْتُ مَنَزِلَةَ الْاَيْسِينَ

و اینک به جایی رسیده‌ام

being in the manner of those who despair

مِنْ خَيْرِي (حَيَاتِي) ❁

که از خوبی و اصلاح نفس خود به کلی ناامیدم *
of any self-decency.



فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي * إِنَّ أَنَا

پس از من بد حال و تبه روزگارتر کیست *

Who is then worse than I am

نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي (قَبْرِ)

وای اگر من با چنین حال منتقل شوم به جانب قبری

when I, such being my case, will be taken to a grave



لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرِقْدَتِي * وَ لَمْ أَفْرُشْهُ

که برای خوابگاه خود مهیا نکرده * و با عمل صالح
that I have neither paved for my long stay

بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِيُضَجِّعَنِي *

فرش در آن بستر نگستردم *
nor furnished with righteous deed for my extended abode.



وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي

و چرا نگریم در صورتی که نمی دانم

Why should I not weep

إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي؟

مصیرم تا کجاست و به کجا می روم؟ *

while I do not know what my destiny will be?



وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي

و اکنون می بینم که نفس با من خدعه می کند *
And while I notice that my self is cheating me,

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي

و روزگار با من مکر می ورزد *
my days are deceiving me,



وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ (فَوْقَ) رَأْسِي

در حالی که عقاب مرگ بر سرم
and the wings of death are fluttering

أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

پر و بال گشوده است *
over my head.



فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟



پس چرا نگریم؟ *

So, why should I not weep?

أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي



می‌گریم بر جان دادنم *

I weep for my soul's departing my body.



اَبُّكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِی

می گریم بر تاریکی قبرم *
I weep for the darkness of my grave.

اَبُّكِي لِضِيقِ حُدِّي

می گریم بر تنگی جای ابدی خودم *
I weep for the narrowness of my vault.



أَبِي سَأَلِ

می‌گریم برای

I weep for Munkar and Nakir

مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَيَّامِي

سؤال منکر و نکیر از من *

(the two angels interrogating in graves) being interrogating me.



أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا

می‌گرییم بر آن حالتی که از قبر برهنه و خوار و ذلیل

I weep for my coming out of my grave (on the Resurrection Day)

ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي عَلَى ظَهْرِي

بیرون آمده و بار سنگین اعمالم را بر پشت گرفته‌ام *

naked, humiliated, carrying my burdens on my back,



أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي

گاهی به جانب راست خود می نگرم

distributing my sights to

وَأُخْرِى عَنْ شِمَالِي

و گاهی به جانب چپ *

my right and my left.



إِذَا انْخَلَعُوا فِي شَأْنٍ

در آن حال که خلائق هر کسی

Behold! The creatures will each be engaged

غَيْرِ شَأْنِي

به کاری غیر کار من مشغولند *
with matters other than mine.



لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

و هر شخص در آن روز محتاج کار خویش است

Every man that day will have concern

يَوْمَئِذٍ شَأْنُ يَغْنِيهِ

و از توجه به غیر بی نیاز *

enough to make him heedless of others.



وَجْوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ

در آن روز گروهی رو سفید *

Many faces on that day shall be bright,

ضاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ

و خندان لب و دلشادند *

laughing, joyous.



وَأُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

و گروهی رخسارشان گردآلود عصیان *
And many faces on that day, on them shall be dust.

تَرَهَقَهَا فَتْرَةٌ وَ ذِلَّةٌ

و در غبار ذلت و خواری مستور است *
Darkness, and humiliation shall cover them.



سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوِي

ای سید من، همه اطمینان

O my Master, on You I depend

و مَعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي

و اعتماد من و تمام امید و توکلم به تو *
and rely. In You I put my hope and faith.



وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

* و علاقه خاطر به رحمت و لطف توست

To Your mercy I hang.

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ

* تویی که هر که را بخواهی به رحمتت نایل می سازی

You direct Your mercy towards whomsoever You like



وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ

و هر که را دوست داری
and You guide, out of Your honoring,

مَنْ تَحِبُّ

* به کرامتت هدایت می کنی
whomsoever You will.



فَلَكَ الْحَمْدُ

پس تو را ستایش می‌کنم

So, all praise be to You

عَلَىٰ مَا نَقَّيْتُ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي

برای آنکه قلب مرا از لوث شرک، پاکیزه ساختی *
for You have purified my heart from polytheism.



وَلَا تُكَلِّمُ بِالْحَمْدِ عَلَى بَسِطِ لِسَانِي

و تو را سپاس میکنم برای آنکه زبانم را به ذکرت گشودی
 All praise be to You for You have made my tongue express utterly.

أَفَبِلسَانِي هَذَا الْكَمَالِ أَشْكُرُكَ؟

آیا من بدین زبان لال شکر و سپاس تو توانم گفت؟
 How can I praise You properly while my tongue is too short to do so?

أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي (جَهْدِي)

یا با کمال جهد و کوشش در عمل رضا

How can I please You while the extent of my efforts

❁ فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ؟

و خوشنودیت به دست توانم آورد؟ *

is too short to do so?



وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ

زبان من در قبال شکر تو

What extent can my tongue reach if compared

فِي جَنْبِ شُكْرِكَ ❁

بی قدر *

to the limitless extent of thanking You?



وَمَا قَدْرُ عَمَلِي

و عملم در جنب نعمت

What amount can my efforts reach

فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ (إِلَىٰ)

و احسانت ناچیز است *

if compared to the limitless amount of Your graces and favors?



إِلَهِي إِنَّ (إِلَّا أَنْ) جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي

ای خدا همانا جود و کرم تو دست امید و آرزویم را دراز گشوده
 O my God! It is certainly Your benevolence that has given me hope.

و شُكْرِكَ قَبِلَ عَمَلِي

و بخشش تو عمل (ناقابلم) را پذیرفته
 It is my thanks to You that have granted approval for my deeds.

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي

* ای سید من شوق و رغبتم همه به سوی توست
O my Master, for You do I desire,

وَإِلَيْكَ (مِنْكَ) رَهْبَتِي

* و بیم و هراسم هم از توست
You do I fear,



وَإِلَيْكَ تَأْمِلِي

آرزویم به تو منتهی است *
and to You do I look forward.

وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و امید من مرا به درگاه تو می کشد *
It is my hope that has driven me towards You.



وَ عَلَيْكَ (إِلَيْكَ) يَا وَاحِدِي

و بردرگاه تو ای یگانه‌ام
To You, O my One and Only God,

عَكَفْتُ (عَلَيْتُ) هِمَّتِي ❁

همتم معتکف شده *
do I direct my determination.



وَفِيْمَا عِنْدَكَ اَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي

و در آنچه به حضور توست شوقم گشاده *

Towards what You have in possession are my desires directed.

وَلَكَ خَالِصٌ رَجَائِي وَخَوْفِي

و تمام امید و هراسم از تو *

For You is the ultimate of my hope and fear.



وَبِلَّائِكَ أَنَسْتُ مَحَبَّتِي

و انس و محبتتم منحصر به تو *
With You have I become familiar.

وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي

و به سوی تو دو دست امید گشوده‌ام *
To You have I submitted my hand.



وَجَبَلٍ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

و به رشته طاعتت با هراس درآویخته‌ام *

To the rope of obedience to You have I extended my fears.

(يَا) مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي

ای مولای من به یاد تو دلم زنده است *

O my Master, only through mentioning You have my heart lived.



وَبِمُنَاجَاتِكَ

و به مناجات

Only through my confidential conversations

بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عِنِّي



رنج ترس (فراق) را از خود تسکین می دهم *

with You have I cooled the pains of my fear.



فِيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي

پس ای مولای من و ای آرزوی دل من
So, O my Master! O my Trusty Patron!

وَيَا مُنْتَهَى سُوِّلِي

و ای منتهای مقصودم *
O Ultimate Hope!



فَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي الْمَانِعِ لِي

تو میان من و گناهانم که مانع ملازمت طاعتت

Separate me from my transgressions which prevent me

مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ

می شود جدایی افکن *

from adhering to the obedience to You.



فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ

که من

I only pray You

لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ

به امید همیشگی و آز و طمع بزرگ *
on account of my eternal faith in You



وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ

که به حضرتت داشته‌ام از تو درخواست حاجت می‌کنم که تو
and my desire for Your mercy and kindness

عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

بر ذات خویش رأفت و رحمت به بندگان را لازم کرده‌ای *
that You have made incumbent upon Yourself.



فَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس ای خدا فرمان در همهٔ عالم با توست و تو را شریکی نیست *

So, the whole affair is Yours alone. There is no partner with You at all.

وَأَخْلَقَ كُلَّهُمْ عِيَالًا وَفِي قَبْضَتِكَ

و خلق همه عیال و ریزه خور خوان احسان تواند و در قبضهٔ قدرت تو *

All the creatures are dependent upon You and are in Your grip. 

وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ

و همهٔ موجودات عالم پیش حضرتت خاضع و فروتنند *

All things are submissive to You.

تَبَارَكَتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

بزرگوار خدایی ای پروردگار عالمیان *

Blessed be You, O Lord of the worlds.



إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي

ای خدا در آن هنگام که حجتم قطع می شود *

O my God, have mercy on me when my argument is proven nil,

وَكَأَنَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي

و زبانم از جوابت لال *

when my tongue can no longer find any answer,



وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ أَيَّامِي لَبِي

و عقل و هوشم مضطرب می‌گردد در آن حال بر من ترحم فرما
and when my mind scatters as soon as You start interrogating me.

فِيَا عَظِيمَ رَجَائِي

ای امید بزرگ من
So, O my great hope,



لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

گاه فقر و فاقه سخت مرا از گرمّت محروم مساز
do not forsake me when my need terribly increases,

وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي

و به واسطه جهل و نادانیم از درگاهت مران
do not reject me on account of my ignorance,



وَلَا تَمْنَعْنِي لِقِلَّةِ صَبْرِي

* و به کم صبری منعم از لطفت مکن

and do not stop conferring upon me on account of my lack of patience.

أَعْطِنِي لِفَقْرِي

* و چون فقیرم عطایم بخش

Grant me for I am poor.



وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

و به رحمت بی پایانت دل بسته‌ام *
To Your mercy do I attach myself.

وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي

و به درگاه احسانت بار افکنده‌ام *
In Your courtyard do I dwell.



وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ (أَقْصِرُ) طَلِبَتِي

و به جود و بخششت از تو مقصودم را می طلبم *

On account of Your benevolence do I declare my request.

وَبِكَرَمِكَ أَيْ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي

و به امید کَرَمَتِ ای پروردگار دست دعا به سویت می گشایم *

With Your generosity, O my Lord, do I begin my prayers.



وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِي (ضِيَاْفَتِي) ❁

و فقر و بی نواییم را نزد تو آورده *

With You do I desire for meeting my needs.

وَبِغْنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي ❁

و پریشانی و نداریم را به غنا و بی نیازی تو جبران می کنم *

Through Your wealth do I settle my poverty.



وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي



و زیر سایهٔ عفو ت ایستاده‌ام *

Under the shade of Your pardon do I stand.

وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصَرِي



و به جود و کرم ت چشم گشوده *

Towards Your benevolence and generosity do I raise my sight.



وَإِلَىٰ مَعْرُوفٍ

و به احسان قدیمت
I persistently look

✽ اَدِيمُ نَظْرِي

* همیشه نظر دارم
for Your favors;



فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ

پس مرا به آتش (قهرت) مسوزان

so, do not let the flames of the Fire consume me

وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي

که تو محل امیدواری منی *
while You are my ultimate hope,



وَلَا تُسَكِّنِي الْهَٰوِيَةَ

و درهاویة دوزخم جای مده
and do not embed me in the deep black abyss

فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي

که تو روشنی چشمم و نشاط قلب منی *
while You are the delight of my eyes.



يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي

ای سید من حسن ظنم را

O my Master, do not thwart my idea

بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرِوْفِكَ فَإِنَّكَ تِثْقَتِي

به عطا و احسانت ثابت گردان که تو محل وثوق منی *
about Your grace and favors, for in You I trust.



وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابِكَ

و از ثواب خود محرومم مساز

Do not deprive me of Your rewards,

فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي

چرا که از فقر و پریشانیم آگاهی *
for You best know my poverty.



إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي

ای خدا اگر اجل من نزدیک شده *

O my God, if my death is drawing near while my deeds have

وَلَمْ يُقْرِبْنِي مِنْكَ عَمَلِي

و عملم مرا به مقام قرب تو نرسانید *

not yet drawn me near You,



فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ

من هم اعتراف به گناههم را *

then let my confession of having committed sins

بِذَنْبِي * وَسَائِلَ عَلَيَّ *

اسباب عذر گردانیده‌ام *

be my means of justification.



إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ

ای خدا اگر تو عفو کردی
O my God, if You forgive,

فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ؟

چه کسی سزاوارتر از تو به عفو است؟
then who is worthier than You in forgiveness?



وَإِنْ عَذَبْتَهُ

و اگر عذاب کردی
And if You punish,

فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ؟

چه کسی از تو در حکم عادل تر است؟
then who is fairer than You in judgment?



اِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي

خدا در این دنیا به حال غربتم رحم کن
Have mercy on my misery in this world,

وَ عِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي

و هنگام مرگ بر غم و حسرت
on my grief at the time of death,



وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي



و در لحد به تنهایی *

on my loneliness in the grave,

وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي



و وحشتم رحم کن *

on my lonesomeness in the underground hole,



وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ

و چون برای حساب نامه عملم گشوده شود
and on my humiliating situation

بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلِّ مَوْقِفِي

به حال ذلتم در پیشگاه عظمت ترحم فرما *
when I shall be resurrected for account before You.



وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ

و گناهانی را که

Forgive my deeds that have been concealed

عَلَى الْأَدْمِيَّةِ مِنْ عَمَلِي

از چشم مردم پنهان است بر من ببخش *

from the other human beings,



وَإِدْمِلِي

و لطفی که

make permanent for me

مَا بِهٍ سَتَرْتَنِي

به آن گناهم را مستور کرده‌ای برقرار دار *

that on account of which You have covered my faults,



وَأَرْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ

باز هم ترحم کن آنگاه که در بستر مرگ افتاده‌ام

have mercy on me when I am thrown on the death bed

تَقْلِبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي

و قادر بر حرکت نیستم و دست دوستان مرا حرکت می دهد *

turned over at the hands of my dear ones,



و تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمَغْتَسِلِ

و تفضل فرما آنگاه که در وقت غسل دادن

do a favor to me when I am laid on the table of the dead bathroom

يُقَلِّبُنِي (يُغَسِّلُنِي) صَالِحُ جِيرَتِي

دست همسایگان صالح به راست و چپم می گرداند *
turned over at the hands of my righteous neighbors,



وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا

و لطف و مهربانی کن
act kindly towards me

قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي

آنگاه که خویشانم اطراف جنازه‌ام را برگرفته‌اند *
when I am carried while my relatives hold the edges of my coffin, 

وَجِدْ عَلَيَّ مَنْقُولًا

و آنگاه که از این جهان رخت بر بستم
be generous with me

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي

و در قبر بر حضرتت غریب و تنها وارد شدم *
when I am carried, alone, to my hole,



وَأَرْحَمَ

بر من ببخش

have mercy

فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ اجْمَدِي غُرْبَتِي ❁

و در آن منزل تازه بر غربتم ترحم فرما *

on my loneliness in that (new) dwelling so that I will not feel at ease

حَتَّىٰ لَا اسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ * يَا سَيِّدِي

تا آنجا هم انس و الفت به غیر تو نگیرم * ای سید من
with anyone other than You. O my Master,

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَىٰ نَفْسِي هَلَكَتُ *

اگر تو مرا به خود واگذاری هلاک خواهم شد *
if You leave me for myself, I will certainly perish.



سَيِّدِي فِيمَنْ أَسْتَعِيْثُ

ای آقای من اگر تو از لغزش هایم درنگذری

O my Master, to whom will I resort

إِنِّ لَمْ تُقْلِبْنِي عَثْرَتِي؟

پس من به سوی که پناه برم؟ *

if You do not overlook my slips?



فَالِي مَنْ أَفْرَعُ

و به درگاه چه کسی زاری کنم

To whom will I run for help

إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي؟

و اگر عنایتت در خوابگاه مرگ شامل حالم نشود؟ *
if I miss Your care for me in my stay (in grave)?



وَإِلَىٰ مَنْ أَلْتَجِيءُ

به کدام در پناهنده شوم

To whom will I refer

إِنْ لَمْ تُنْفِسْ كُرْبَتِي؟

اگر تو غم و اندوهم زایل نگردانی؟ *

if You do not relieve my grief?



سَيِّدِي مَنْ لِي وَ مَنْ يَرْحَمُنِي

ای آقای من، اگر تو به من رحم کنی
O my Master! Who will be with me?

إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟

من که را دارم و که به من رحم خواهد کرد؟
Who will have mercy on me if You do not?



وَفَضْلٍ مِّنْ أَوْمِلُ

و اگر فضل تو شاملم نگردد
Whose favor will I expect

اِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي؟

به فضل و کرم چه کسی روز بیچارگی امیدوار باشم؟ *
if I miss Your favors on the day of my neediness?



وَإِلَىٰ مِنَ الْفِرَارِ مِنَ الذُّنُوبِ

و به سوی که از گناهانم آنگاه که اجلم فرا رسد

To whom will I flee from my sins

إِذَا انْقَضَىٰ أَجَلِي؟

توانم گریخت؟ *

when my deadline comes?



سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ



ای آقای من مرا عذاب مکن چرا که به تو امیدوارم *

O my Master, do not punish me while I please You hopefully.

إِلَهِي (اللَّهُمَّ) حَقِّقْ رَجَائِي



ای خدا امیدم را به حضرت کریمت ثابت و محقق ساز *

O my God, (please do) give success to my expectations



وَأَمِنَ خَوْفِي * فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي

و ترسم را به ایمنی مبدل گردان * که از بسیاری گناهان
and dispel my fear. As for my numerous sins,

لَا أَرْجُو فِيهَا (لَهَا) إِلَّا عَفْوَكَ *

جز به عفو و بخششت به جایی امید ندارم *
I hope for nothing other than Your pardon.



سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ

ای سید من از تو چیزی می طلبم که استحقاق آن ندارم

O my Master, I am asking You for things that I do not deserve and

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

اما تو اهل تقوی و آمرزشی *

You are verily the worthiest of being feared and the worthiest of forgiving.

فَاغْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا

پس تو از من درگذر و به نظر لطف

So, forgive me and dress me, out of Your relief,

يُغَطِّي عَلَيَّ التَّبَعَاتِ

لباسی که زشتی‌هایم بپوشاند در پوشان *
a garment covering all my defects,



وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أَظَالِبُ بِهَا

و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر مؤاخذهام نفرمایی
and forgive them for me so that I will not be responsible for them.

إِنَّكَ ذُو مَنِّ قَدِيمٍ

چرا که تو صاحب احسان همیشگی
Verily, You are the Lord of eternal favoring,



وَصَفْحٌ عَظِيمٌ

و بخشش عظیم *
great pardon,

وَتَجَاوُزٌ كَرِيمٌ

و گذشت بزرگوارانه‌ای *
and liberal exoneration.



إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ

ای خدا تو آن کریمی که احسانت بر آنکس هم
O my God, You make Your flowing graces reach

عَلَى مَنْ لَا يَسْأَلُكَ ❁

که از تو درخواست نکند افاضه میشود *
those who never pray You



وَعَلَىٰ الْجَاهِلِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بلکہ بر منکران خدائیت ہم می رسد *
and those who deny Your Lordship.

فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ

پس چگونه بر آنکس کہ از تو مسئلت کرده *
So, O my Master, what should You do to those who pray You



وَأَيُّقِنَ أَنَّ الْمَخْلُوقَ لَكَ

و به یقین کامل می داند که خلق همه از تو *
and believe undoubtedly that You manage all creation

وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ

و فرمان بر خلق مختص توست نخواهد رسید *
and all affairs!



تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

بزرگوار و بلند مرتبه‌ای

Blessed by You and Exalted be You,

يا رَبِّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار عالم *

O Lord of the worlds!



سَيِّدِي عَبْدُكَ بِيَابِكَ

ای آقای من بنده مسکین تو را
O my Master, I, Your servant,

أَقَامْتُهُ الْخُصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

فقر و بیچارگی به درگاه کرم تو باز داشته *
am standing at Your door owing to neediness,



يُقْرَعُ بِأَبِّ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

* و حلقه بر در احسانت به دعا می زند
am knocking at it suppliantly.

(وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِكَ)





فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي

پس تو به بزرگواری و کرم روی از وی مگردان
So, do not turn Your generous Face away from me.

وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ

و تقاضاهایم قبول فرما
Accept that which I utter,



فَقَدْ دَعَوْتُ (دَعَوْتُكَ)

که من به این دعای (مفصل)
for I have prayed

بِهَذَا الدُّعَاءِ ❁

تو را خواندم *
using this supplication,



وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدِّدَنِي مَعْرِفَةً مِنِّي

و امید آن دارم که دعایم رد نفرمایی چرا که من

hoping that You will not reject me since I have full awareness

بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

به رأفت و مهربانی تو آگاهم *
of Your kindness and mercifulness.



إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُجْفِيكَ سَائِلٌ

ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته نمی کند *

O my God, it is You Whom is never disturbed by any suppliant

وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ

و از بخشش تو را نقصانی نمی رسد *

and Whose kingdom is never decreased owing to donations.



أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ ❁

تو در اوصاف کمال به مقامی که خود ستایش خویش توانی کرد و برتری از
 You are as exactly as You describe Yourself and is above all that

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا ❁

آنچه ما بگوییم * ای خدا من از تو درخواست می‌کنم صبری نیکو
 which we say. O Allah, I beseech You for comely patience,



وَفَرَجًا قَرِيبًا

و گشایشی نزدیک *
immediate relief,

وَقَوْلًا صَادِقًا * وَ أَجْرًا عَظِيمًا

و زبانی گویای به صدق و حقیقت * و پاداشی بزرگ از تو درخواست می کنم *
truthful wording, and splendid reward.



أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنْ أَحْسَنِ كَلِمَةٍ

ای پروردگار از خیر و خوبی‌ها همه را
I pray You, O Lord, for all goodness,

مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

آنچه دانسته و آنچه را ندانسته‌ام *
be it known by me or unknown.



أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ

باز درخواست می‌کنم ای خدا

I pray You, O Allah, for the goodness

مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

از بهترین آنچه بندگان صالحت از تو درخواست کردند
that Your righteous servants have besought from You.



یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ

* ای بهترین کسی که از او درخواست توان کرد
 O All-excellent One that is asked!

وَأَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى

* و ای بهترین عطابخش
 O most benevolent of those who may give!



أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي

درخواست مرا دربارهٔ شخص خود

(Please do) respond to my request as regards myself,

وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَلَدِي (وَلَدِي)

و اهل بیتم و والدینم و خاندانم

my family, my parents, my children,



وَأَهْلٍ حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

و برادران خداپرستم همه را عطا فرما
my comrades, and my brothers-in-faith.

وَ) أَرْغِدْ عَيْشِي

و عیشم را خوش
Bless my living,



وَأُظْهِرْ مُرُوتِي

* و مروت و فتوتم را محکم و آشکارا گردان
manifest my integrity,

وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي

* و جمیع احوالم را اصلاح فرما
set aright all my affairs,



وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ 

و مرا از آنان قرار ده که عمرش طولانی
and include me with those whom You decide to live long,

وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ 

و عملش نیکو
whose deeds are righteous,





وَأَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ

* و نعمت را بر او کامل گردانیده‌ای
those for whom You have perfected Your favors,

وَرَضِيتَ عَنْهُ

* و از او خوشنودی
those with whom You are pleased,



وَ أَحْيَيْتَهُ وَ حَيَاةً طَيِّبَةً

و حیات خوش

and those whom You have granted comfortable life

فِي أَدْوَمِ السَّرُورِ

با نشاط دائم ابدی *

with permanent pleasure,



وَأَسْبِغِ الْكِرَامَةَ

با نیکوترین مکرمت
reputable honor,

وَأَتَمِّ الْعِيشَ

و تمامترین زندگانی به او مرحمت فرموده‌ای *
and perfect contentment.



إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

که تو خدایی و هر چه بخواهی به قدرت کامله می کنی

Verily, You do whatever You will,

وَلَا تَفْعَلُ (يَفْعَلُ) مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

و غیر تو کسی هر چه بخواهد نتواند کرد *
while none else can ever do what one wills.



اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ

ای خدای من مرا به ذکر خاص خود
O Allah, give me exclusively

بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

مخصوص گردان *
the grace of private mention of You,



وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اتَّقَرُّبُ بِهِ

و هر عمل که برای تقرب به حضرتت به جای آورم

do not let any of the things by which I seek Your nearness

فِي عَائِنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

در ساعات شب و اطراف روز *

in the hours of the night and the ends of the days



رِيَاءٌ وَلَا سُمْعَةٌ

ریاء و خودنمایی

take the form of ostentation, showing off,

وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا

و بطالت و عیاشی قرار مده *
pretension, or insolence.



وَاَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

* و مرا از بندگان خاشع خود بگردان
Include me with the humble ones.

اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ

* خدایا مرا روزی وسیع عطا کن
O Allah, grant me affluent means of livelihood,



وَالْأَمْنِ فِي الْوَطَنِ * وَقُرَّةِ الْعَيْنِ

و نعمت امنيت بخش * و اهل و مال و فرزندم را
security in my homeland,

فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ *

مايه روشني چشم و شادي خاطر گردان *
delight in my family, property, and children,



وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي

و نعمت‌هایی که مرا عطا کرده‌ای پاینده ساز
permanence of Your graces,

وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ

و تنم را سالم
healthy body,



وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ

و بدنم را نیرومند *
strong physique,

وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و دینم را (از دست شیطان) محفوظ دار *
and sound faith.



وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

و پیوسته عمرم را به کار طاعت خود

Dedicate my affairs to the obedience to You

وَطَاعَةَ رَسُولِكَ

و طاعت رسالت

and to Your Messenger,



مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

محمد صلى الله عليه و آله

Muhammad –Allah’s blessings be upon him and his Household–

أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

بدار

as long as You give me life.



وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ

و مرا از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از همه وافرتر است مقرر فرما *

Make me one of the most rewarded servants of You

عِنْدَكَ نَصِيْبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَ

هم در خیر و برکتی که نازل کرده‌ای و می‌کنی *

in each and every item of goodness that You have descended



وَتُنزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

در ماه مبارک رمضان

and You will descend during the month of Ramadan

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

در شب قدر *

and at the Destiny Night



وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ

و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد

as well as all that which You decide to descend throughout the year,

مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

و از رحمتت که منتشر بر خلق می‌گردانی نصیبم ده *

including mercy that You spread,



وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

* و هم لباس عافیتی که به بندگان می پوشانی بر من بپوشان
good health with which You adorn,

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا

* و هر بلیه و آلامی که برطرف می کنی
misfortune that You repel,



وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

و خوبیها که می‌گردانی *
good deeds that You admit,

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

و گناهانی که از آن در می‌گذری مرا بهره‌مند ساز *
and evildoings that You excuse.



وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ *

و هم ای خدا حج بیت الحرامت را *

Bestow upon me with pilgrimage to Your Holy House

فِي عَامِنَا (عَامِي) هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ *

در این سال و همه سال دیگر *
in this year plus all years,



وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَّاسِعًا

و رزق وسیع از فضل

grant me prosperous sustenance

مِنْ فَضْلِكَ الْوَّاسِعِ ❁

و کرم بی پایانت نصیبم فرما *

out of Your limitless bounty,



وَاصْرِفْ عَنِّي

و شر و بدی‌ها را
dismiss, O my Master,

يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ

ای آقای من از من دفع‌گردان *
all evils from me,



وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَمَاتِ

وَدِينٍ وَ مَظَالِمٍ رَا بَه كَرَمَتِ اِدَا سَا ز تَا دِيْغَر دَر اذِيْت
 help me settle my debts as well as my evildoings

حَتَّىٰ لَا آتَاذِي بِشَيْءٍ مِّنْهُ

و رَنج و غَم اَز قِبَل هِيْج يَك اَز اَنهَا نَبَاشَم *
 so that I will be saved from their liabilities,



وَ خُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَ أَبْصَارِ

و چشم و گوش دشمنان

save me from the hearings and sights of my enemies,

أَعْدَائِي وَ حُسَادِي وَ الْبَاغِينَ عَلَيَّ

و حسودان و بیدادگران را بر من ببند *

those who envy me, and those who intend to oppress me,



وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ

* و مرا بر آنها منصور و غالب گردان
back me against them,

وَأَفِرُّ عَيْنِي (وَحَقِّقْ ظَنِّي)

* و دیده‌ام روشن
give delight to my eye



وَفَرِّحْ قَلْبِي * وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي

و دلم شاد فرما * و از هر همّ و غمّ و پریشانیم
and joy to my heart, grant me relief

وَكُرِّبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا *

گشایش و رهایی بخش *
and exit against my grief and misery,



وَأَجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ

و هر که از قصد با من سوء قصدی کند
make all those who intend evil to me,

مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي

زیر قدم قدرتم پیمالش ساز *
among all Your creatures, be under my feet,



وَ اَكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ

و شر شیطان

protect me against the evil of Satan,

وَ شَرَّ السُّلْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ عَمَلِي

و شر سلطان و شر اعمال بدم را از من کفایت فرما *

the evil of the ruling authority, and the consequences of my evildoings, ﴿

وَاَطْهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و از تمام گناهان مرا پاک گردان
purify me from all my sins,

وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ

و به عفو و کرمّت از آتش دوزخم نجات بخش
save me from Hellfire on account of Your pardon,



وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ



و به لطف و رحمتت به بهشت ابدم داخل گردان
allow me to enter Paradise on account of Your mercy,

و زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ



و به فضلت با حورالعینم قرین ساز
marry me off the Paradisiacal women on account of Your grace,



وَاجْتَنِبْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ

و مرا با اولیاء صالح خود یعنی محمد و آلش
and join me to Your righteous intimate servants

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ ❁

محشور گردان که آنان نیکویان
—Muhammad and his Household,





الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

و پاکان و پاکیزگان و برگزیدگان عالمند *
the purified, the immaculate, and the pious.

صَلُّوْا تَكَ عَلَيْهِمْ

درود و رحمت
May Your peace,



وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

و برکاتت بر آنها باد

mercy, and blessings be upon

وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ

* و بر جسم و جان آنان باد
their bodies and souls.



إِلَهِي وَسَيِّدِي

ای خدای من و سید من *
O my God and my Master,

وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ

به عزت و جلالت قسم
I swear by Your Mighty and Your Glory,



لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي

که اگر تو از من به گناهانم بازخواست کنی
if You will interrogate me for my sins,

لَأَطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

من هم به عفو و بخششت از تو بازخواست خواهم کرد *
I will demand with Your pardon.



وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي

و اگر از من به خواریم بازخواست کنی

If You interrogate me for my meanness,

لَأَطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ

من هم به کرم و بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد *

I will demand with Your kindness.



وَلَئِن أَدَخَلْتَنِي النَّارَ

و اگر به دوزخم داخل سازی
If You order me to Hellfire,

لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ

اهل آتش را از محبتم به تو آگاه می سازم *
I will tell all the inhabitants therein that I love You.



إِلَهِي وَ سَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ

ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیاء خود

O my God and Master, if you forgive

إِلَّا لِأَوْلِيَاءِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

و اهل طاعت خویش نبخشایی

only Your intimate servants and those who obey You,



فَالِي مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ * وَإِنْ

پس گناهکاران به درگاه که تضرع و زاری کنند
to whom then will the sinful resort?

كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ *

و اگر تو با غیر وفاداران اکرام و احسان نفرمایی
If You honor none but those who act loyally to You,



فِيمَنْ

پس بدکاران
then whose

يَسْتَغِيثُ الْمُسِيءُونَ؟

به درگاه که پناهنده شوند؟ *
shelter will the evildoers seek?



إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ

ای خدا اگر مرا در آتش ببری

O my God, if You decide to put me in Hellfire,

فَفِي ذَلِكَ سُورٌ عَدُوٌّكَ

در این صورت دشمنت (شیطان) شاد می شود *
this will definitely please Your enemies!



وَإِنْ أَدَخَلْتَنِي الْجَنَّةَ

و اگر در بهشت ببری

But if You decide Paradise for me,

فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيَّكَ

پیغمبرت شاد خواهد شد *

then this will certainly please Your Prophet!



وَ أَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ

و من قسم به خدا یقین دارم که تو سرور پیغمبرت را

And I—by Allah I swear it—know for sure that the pleasure of Your

أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ ❁

* دوست‌تر داری از سرور دشمنت

Prophet is more favorable for You than the pleasure of Your enemies. ❁

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

ای خدا از تو درخواست می‌کنم

O Allah, I pray You

أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ

که دلم را مملو از دوستی خود گردانی *
for filling my heart with love for You,



وَ خَشْيَةَ مِنْكَ

و سراسر قلبم را پر خوف و خشیت خود *
with fear of You,

وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ

و تصدیق به کتاب خود *
with belief in Your Book,



وَإِيْمَانًا بِكَ

* و ایمان کامل به حضرتت گردانی
with faith in You,

وَفَرَقًا مِنْكَ

* و دلم را پر غم و اندوه خود
with dread from You,



وَشَوْقًا إِلَيْكَ

و شوق لقای خویش سازی
and with eagerness to You.

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری
O Lord of Glory and Honor,



حَبِّبْ إِلَىٰ لِقَاءِكَ

* ملاقات خود را محبوب من
(please do) make me love meeting You,

وَ أَحْبِبْ لِقَائِي

* و ملاقات مرا محبوب خود گردان
(please do) love my meeting,



وَأَجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ

و در هنگام لقای خویش برایم راحتی
and make my meeting You entail comfort,

وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ

و گشایش و کرامت مقرر فرما
relief, and honoring.



اللَّهُمَّ اٰحِقْنِي

ای خدا مرا

O Allah, join me

بِصَالِحٍ مِّنْ مَّضِيٍّ

به صالحان گذشته در پیوند *

with the righteous ones among the past generations,



وَاَجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ

* و از صالحان باقی قرار ده

include me with the righteous ones of this generation,

وَخُذْ بِي سَبِيلِ الصَّالِحِينَ

* و به راه صالحانم رهوار ساز

guide me to the path of the righteous ones,



وَاعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ

و مرا بر مخالفت هوای نفس خود

help me against myself in just as You help

بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

به آنچه صالحان را یاری کردی مدد فرما *

the righteous ones control themselves,



وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ 

* و ختم کارم را نیکوترین عمل گردان
seal my deed with the best of it,

وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ 

* و پاداشم را از آن عمل نیک به رحمتت، بهشت ابد قرار ده
decide Paradise as the reward of my deeds on account of Your mercy,

وَأَعِنِّي عَلَىٰ صَالِحٍ مَا آعَظَيْتَنِي

و مرا یاری کن که هر نعمتی که به من عطا کرده‌ای به شایستگی و صلاح
 help me manage the good things that You have endowed upon me,

وَتَثْبِئْتَنِي يَا رَبِّ

کار بندم * و مرا ای خدا ثابت قدم بدار *
 make me firm, O Lord,



وَلَا تُرِدْنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ

و به سوی بلا و مهلکه‌ای که از آنم نجات داده‌ای برمگردان

and do not make me return to evildoing after You have saved me

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار عالم *

from it. O Lord of the worlds!



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا

ای خدا از تو درخواست می‌کنم ایمان ثابتی

O Allah, I beseech You for faith

لَا أَجَلَ لَهُ وَدُونَ لِقَائِكَ

که تا روز لقای تو باقی ماند *

that does not stop until I meet You.



أَحْيِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ

و بر آن ایمان تا زنده‌ام مرا باقی دار *

As long as You grant me lifetime, (please do) connect me to that faith,

وَتَوَفِّي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ

و بر آن بمیران *

and when You decide to grasp my soul, make me carry that faith with me.

وَابْعَثْنِي

و بر آن ایمانم

When You resurrect me,

إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ

در قیامت برانگیز *

make me carry it with me.



وَ أَبْرِيءُ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ

و دلم را از ریا و خود نمایی و شک

Release my heart from showing off, suspicion,

وَالسَّمْعَةَ فِي دِينِكَ

و ظاهر سازی در دینت بیزار گردان *

and pretension in the affairs of Your religion



حَتَّىٰ يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَّكَ

تا عملم خالص برای تو باشد *

so that my deed will be purely intended for Your sake.

اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ

ای خدا مرا بصیرتی در دین خود *

O Allah, grant me discerning awareness in Your religion,



وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ

و فراستی در حکم خود *
understanding of Your laws,

وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ

و فهم و هوشی در علم کتاب خویش عطا فرما *
insight in Your knowledge,



وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و کفلین از رحمت بخش
two folds of Your mercy,

و وَرَعًا يَجْزِيَنِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ

و مقام ورعی بخش که مانع از هر چه عصیان توست شود
and piety that impedes me from disobeying You.



وَبَيِّضُ وَجْهِي بِنُورِكَ

* و به نور معرفتت روسفیدم کن

Make my face glitter on account of Your light,

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

* و میل و رغبتم را به آنچه در جهان باقی نزد توست معطوف گردان

make me desire for nothing but that which You hold,



وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَىٰ مِلَّةِ

و مرا به راه (رضای) خود و بر آیین پیغمبرت

and when I die, make me die following Your Path and carrying the principles

رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

صلى الله عليه و آله بميران *

of Your Prophet— Allah's blessings be upon him and his Household. 

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

ای خدا پناه می برم به تو

O Allah, I seek Your protection

مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشْلِ

از صفات رذیله کسالت و مهملی
* against laziness, failure,



وَالْهُمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

و اندوه و هراس و ترس و بددلی و بخل
grief, cowardice, stinginess,

وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

و غفلت و قساوت قلب *
inattentiveness, brutality,



(وَالذِّلَّةِ) وَالْمُسْكِنَةِ

و فقر

poverty,

وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ

و بیچارگی *

neediness, destitution,



وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَافْوَا حِشِّ

و هر بلیه و رنج

and against all misfortunes and all shameful deeds,

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ❁

و هر زشتی ظاهر و باطن *

whether open or secret.



وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ

و نیز پناه می برم به تو از نفسی که قناعت نکند
 I seek Your protection against having unsatisfied self,

وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ

و شکمی که از دنیا سیر نشود
 insatiate stomach,



وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ❁

و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد *
fearless heart,

وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ❁ وَ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ❁

و از دعایی که مستجاب نشود * و عملی که سود نبخشد *
unanswered prayers, and futile deed.



وَاعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي

و نیز پناه می برم به تو ای خدا
I ask You, O Lord, to guard myself,

✽ وَدِينِي وَمَالِي

که جان و دین و مال
my religion, my properties,



وَعَلَىٰ جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي

و هر نعمتی روزیم کردی

and all that which You have granted me

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

همه را از دستبرد دیو رجیم محفوظ داری *

against Satan the accursed.



إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

که البته تو شنوای دانایی *

Verily, You are the All-hearing, the All-knowing.

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ

ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه نتواند داد
O Allah, none can ever save me against You



وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مَلْتَحَدًا

و جز تو ملجاء و پناهی ندارم *

and I can never find any shelter against You. So, (please) do not

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ

پس مرا در دنیا و عقبی به هیچ یک از عقوبت‌هایت مبتلا مگردان *

make anything that brings about Your punishment control over me, 

وَلَا تُرِدْنِي بِهَلَكَةٍ

و به هیچ مهلکه *

do not let me lead myself to perdition,

وَلَا تُرِدْنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و عذاب دردناک باز میفکن *

and do not make me deserve the painful chastisement.



اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

ای خدا عملم بپذیر *

O Allah, accept from me,

وَأَعْلِ (كَعْبِي وَ) ذِكْرِي

و نامم بلند گردان *

grant me reputation,



وَأَرْفَعْ دَرَجَتِي

و درجه‌ام رفیع ساز
elevate my rank,

وَاَحْطِ وِزْرِي

و گناه‌م بریز
exonerate my offenses,



وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي

و خطایم را یاد آورم مساز *
do not refer to me with my faults,

وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي

و پاداش نشستن
let the reward of my sessions,



وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي

و سخن گفتن و دعا و تضرع را
my utterance, and my prayer

رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

رضا و خوشنودیت و بهشت ابدت قرار ده *
be Your pleasure and Paradise.



وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

و ای خدا به کَرَمَت هر چه درخواست کردم همه را عطا فرما
Give me, O Lord, all that which I have asked for from You

وَزِدَّنِي مِنْ فَضْلِكَ

و زیاده بر آن از فضل و رحمت ببخش
and grant me more favor,



إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ

که دل من ای پروردگار عالم
for I seek none but You,

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

به سوی تو مایل و مشتاق است *
O Lord of the worlds!



اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ (الْعَفْوُ)

ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که ما
O Allah, You have ordered us in Your book

وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنَا

از هر کس در حقمان ظلم و ستم کرده عفو کنیم *
that we should overlook those who wrong us.





وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَا

و ما در حق نفس خود ظلم کردیم تو هم از ظلم ما عفو فرما
We have thus wronged ourselves; so, forgive us,

فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا

که تو در این عفو و بخشش از ما سزاوارتری
for You are worthier of forgiveness than we are.



وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا

و باز به ما امر فرمودی که سائلی را از درگاه خود

You have ordered us not to reject any beggar being

عَنْ أَبِوَابِنَا

* محروم برنگردانیم

on our doors.



وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا

و من هم سائلم به درگاه کَرمت

Here I am begging You; so,

فَلَا تُرِدْنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

پس مرا تا حاجتم روا نسازی باز مگردان *
do not reject me; rather, respond to my need.



وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ

و باز امر فرمودی که در حق هر که
You have ordered us to act nicely

إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا

در ملک و تصرف ماست نیکی و احسان کنیم *
to those under our authorities.



وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ

و ما بندگان توایم

We are surely under Your authority;

فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قهرت آزادمان ساز
* so, release us from Hellfire.



یا مَفْزَعِی عِنْدَ کُرْبَتِی

ای آنکه هنگام بلا و رنج ملجاء و پناه
 O my Shelter whenever I am aggrieved!

و یا غَوْثِی عِنْدَ شِدَّتِی

و در سختی‌ها فریادرس مایی
 O my Aid whenever hardships hit me!



إِلَيْكَ فَرَعْتُ

من به درگاه تو می نالم *

To You have I resorted.

وَبِكَ اسْتَعْتُ وَ لَذْتُ

و تو را فریادرس می دانم و به تو پناه آورده‌ام *

With You have I sought refuge and haven.



لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ

نه به کسی دیگر جز تو *

To none save You shall I ever resort.

وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ

و از دری جز درگاهت گشایشی نمی طلبم *

From noe save You shall I ever seek for relief.



فَاغِيثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي

پس تو ای خدا به فریادم رس و عقده‌های قلبم بگشا
So, (please do) aid me and relieve my hardship.

يَا مَنْ يَفُكُّ الْأَسِيرَ (يَقْبَلُ الْيُسِيرَ) 

ای آنکه اسیران را آزاد می‌کنی *
O He Who accepts the little (deed)



وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

و از گناهکاران بسیار در می‌گذری
and overlooks the much (wrong)!

إِقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ

از من هم این عمل کم بپذیر
Accept my little (deed)



وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ ﴿١٠٠﴾

و از گناهان بسیارم درگذر
and overlook my much (wrong).

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿١٠١﴾

که تو بسیار مهربان و آمرزنده‌ای
You are certainly the All-merciful, the All-forgiving.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا

ای خدا من از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت

O Allah, I pray You for faith

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

که همیشه در قلبم برقرار باشد *

that covers my heart



وَيَقِينَا (صَادِقًا) حَتَّىٰ أَعْلَمَ

و یقینی کامل تا بدانم که به من

and for honest conviction so that I will believe that nothing

أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي

جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید *

will inflict me save that about which You have already known.



وَرَضِئِنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي

* و مرا در زندگانی به هر چه قسمتم کردی راضی و خشنود سازی

Make me be satisfied with my livelihood that You have decided for me.

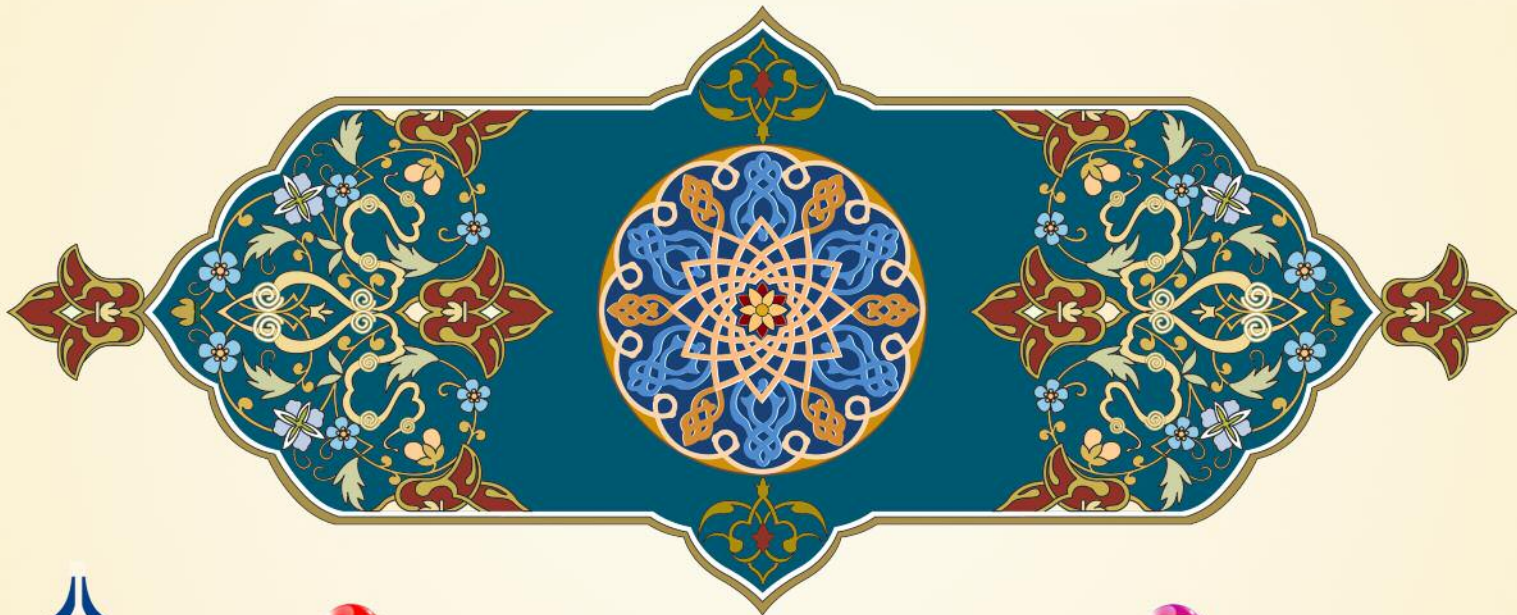


يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

* ای مهربانترین مهربانان عالم

O most Merciful of all those who show mercy!





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نگارش
آسان